

نسبت سنجی تعامل دولت و دانشگاه علوم بهزیستی در ارائه خدمات عمومی در پرتو زیست شبانه

صبا هاشمی عرقلو^۱

^۱ کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب

نویسنده مسئول:

صبا هاشمی عرقلو

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۲ / زمستان ۱۳۹۹ / ص ۱۹۴-۱۷۳

چکیده

خدمت عمومی بدون نفع عمومی امکان پذیر نیست. مفهوم نفع عمومی بسیار نسبی و اتفاقی است و ممکن است با برآورده کردن نیازهای مشروع مانند نانوايي و... مخلوط گردد ولی این موارد در زمره فعالیت های مربوط به خدمت عمومی به شمار نمی آیند. بدین ترتیب هر فعالیت عام المنفعه ای جزء خدمات عمومی نمی باشد. هدف خدمت عمومی همیشه نفع عمومی است. این بدین معنا نیست که تنها خدمات عمومی می تواند نیازهای عام المنفعه مردم را برآورده کند، فعالیت های خصوصیسپاری هستند که به طور قابل ملاحظه ای این گونه نیازها را بر طرف می کنند. آنچه که مهم و تعیین کننده است این است که تنها هدف خدمت عمومی نفع عمومی می باشد. یکی از مولفه های اصلی در سرزندگی و زیست شبانه فضاهای عمومی شهر افزایش امنیت فضا از نظر فیزیکی و روانی است. چرا که نبود امنیت در فضاهای عمومی شهر به افزایش رفتارهای ناهنجار کمک می نماید. در نتیجه باعث کاهش حضور شهروندان در فضاهای شهری در ساعات شبانه شده و از سرزندگی فضا کاسته می شود. رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی ها، از اهداف آن است. قسمت اعظم رسالت و وظایف اکثر نهادهای دولتی، تعیین رفاه عمومی جامعه، رفع نگرانی و دغدغه تک تک افراد جامعه است. در این راستا این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی بیان می دارد که درباره وضعیت زیست شبانه و استانداردهای داخلی و بین المللی حاکم در این زمینه سخن بسیار گفته شده است. اما در حوزه شهرسازی و توجه به وضعیت خاص این قشر از شهروندان ذیل مقررات حقوق شهری — لاقلاً در امر اجرای ضوابط — خلأ ملموسی وجود دارد. قوانین و مقررات حاکم در حوزه شهرسازی و مرتبط با وضعیت معلولین، به سیاست های راهبردی در امر تقنین در این حوزه با عدم صراحت مواجه هستند؛ خلاء های عینی و ضوابط قانونی مرتبط با وضعیت خاص افراد جامعه در راستای حضور در شهر و بهره مندی آنان از فضای شهری و زیست شبانه مشهود است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که سازمان بهزیستی در راستای تحقق رفاه اجتماعی و با توجه به ساختار اجتماعی و فرهنگی در ایران، که این تحقیق در راستای بررسی ساختار زیست شبانه شکل گرفته، در تحقق این مهم با مشکلات ساختاری جدی و قانونی از منظر حقوق عمومی روبرو می باشد.

واژگان کلیدی: حقوق عمومی، فضای شهری، زیست شبانه، سازمان بهزیستی کشور، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، خلاء های

ساختاری، خلاء های قانونی

مقدمه

تحقق توسعه اقتصادی، بدون عدالت اجتماعی و بدون تامین اجتماعی ممکن نیست. بنابراین اگر توسعه اقتصادی عبارت از رشد مداوم اقتصاد یک جامعه و وضعیت رفاهی افراد جامعه ناشی از دگرگونی معقول در نیازهای اقتصادی و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه باشد در نتیجه می توان آن را از جمله دستاوردها و کمک های تامین اجتماعی به روند توسعه اقتصادی کشور دانست. تامین اجتماعی در حقیقت افزایش رفاه اقتصادی-اجتماعی و امنیت انسان را به عنوان محور توسعه مد نظر قرار داده است. با توجه به اینکه تامین اجتماعی زیر مجموعه از نظام اقتصادی است لذا عملکرد آن شدیداً بر رفاه اجتماعی شهروندان تاثیر می گذارد. رفاه اجتماعی از سازوکارهای ارتقای توسعه اجتماعی است. همچنین رفاه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد توسعه اجتماعی در سند توسعه اجتماعی اجلاس کپنهاگ معرفی شده است. رفاه اجتماعی تأکید بسیاری بر توانایی های بالقوه انسانی و برابری و عدالت به عنوان یک حرکت واضح به منظور رفع تبعیض است. رفاه اجتماعی سامانه ای منسجم و جامع از خدمات و برنامه هایی است که برای ارتقای توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی و کارکرد های اجتماعی مردم طراحی شده است.

از آنجا که مسئولیت اجتماعی دولت در حوزه های مختلف وجود دارد؛ بنابراین، سیاستگذاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی باید در ارتباط با موضوعاتی همانند حقوق اجتماعی، بهداشت، سلامت، فعالیت بخش خصوصی و نقش شرکت ها در توسعه اقتصادی انجام پذیرد. هر یک از حوزه های یاد شده بخشی از فرآیند مسئولیت اجتماعی و سیاستگذاری دولت ها را شامل می شود. بنابراین، دولتی می تواند مسئولیت بیشتری در حوزه اجتماعی عهده دار شود که اولاً، از قابلیت های زیر ساختی برخوردار باشد؛ ثانیاً، بتواند از قابلیت های خود در ارتباط با مسئولیت اجتماعی اش در برابر جامعه و ساختار قدرت در کشور استفاده کند. درباره مسئولیت اجتماعی دولت در برابر گروه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظریات مختلف ارائه شده است. تمامی تحلیلگران مسائل سیاستگذاری عمومی بر این اعتقاد هستند که مسئولیت اجتماعی دولت ها بیانگر چگونگی حمایت آنان از سازمان ها، نهادها، شرکت ها و گروه های اجتماعی است.

خدمت عمومی بدون نفع عمومی امکان پذیر نیست. مفهوم نفع عمومی بسیار نسبی و اتفاقی است و ممکن است با برآورده کردن نیازهای مشروع مانند نانوائی و... مخلوط گردد ولی این موارد در زمره فعالیت های مربوط به خدمت عمومی به شمار نمی آیند. بدین ترتیب هر فعالیت عام المنفعه ای جزء خدمات عمومی نمی باشد. هدف خدمت عمومی همیشه نفع عمومی است. این بدین معنا نیست که تنها خدمات عمومی می تواند نیازهای عام المنفعه مردم را برآورده کند، فعالیت های خصوصیسازی هستند که به طور قابل ملاحظه ای این گونه نیازها را بر طرف می کنند. آنچه که مهم و تعیین کننده است این است که تنها هدف خدمت عمومی نفع عمومی می باشد. درباره تشکیلات و خدمات سنتی دولت از قبیل ارتش و پلیس (امنیت)، وزارت امور خارجه (دیپلماسی) و دادگاه ها (دادگستری) فرض بر این است که به منظور نفع عمومی فعالیت می کنند ولی در مورد شرکت های دولتی یا زیر نظر دولت که انحصاراً مبادرت به انجام خدمات صنعتی و بازرگانی می نمایند مسئله فرق می کند. در این خصوص، تفاوت میان نفع عمومی و نفع مالی یا کسب سود امکان می دهد که خدمت عمومی و بخش عمومی که بخش های عمده ای از آنها در سال های اخیر خصوصی شده است متمایز گردند.

با وجود این که این قانون اجرای نظام جامع رفاه اجتماعی را هدف قرار داده و سعی نموده که به تمام اصول قانون اساسی مرتبط با مسایل اقتصاد رفاه و تأمین اجتماعی استناد نماید و اجرای آنها را پوشش دهد اما از مواردی در قانون اساسی غافل مانده که به طور مستقیم به نظام جامع تأمین اجتماعی مرتبط است. به طوری که در قانون به اصل بیست و یکم قانون اساسی که به حقوق زنان مرتبط است، هیچ اشاره ای نشده است. به ویژه اینکه به موجب بند چهارم این اصل دولت موظف شده که بیمه ای خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست ایجاد نماید.

به طور خلاصه هدف گذاری انجام شده برای تهیه قانون نظام جامع رفاه اجتماعی، هدف گذاری مبتنی بر سیاست کلی و قانون برنامه سوم توسعه و نیز وظایف و ساختارهای نظام جامع تأمین اجتماعی نیست. این طرز تلقی و برداشت سبب شده اصول و رویکردهای این قانون نیز متناسب با قانون برنامه سوم و در چارچوب سیاست های کلی نباشد و ضمن اینکه موارد مهمی از جمله اصل ۲۱ قانون اساسی نادیده گرفته شده است.

۱- مفهوم شناسی

نظریه خدمت عمومی به عنوان یکی از مبانی حقوق اداری، که حقوقدانانی چون ژو و دیگران از آن دفاع می کردند از انتقاد مصون نمانده است. مخالفین نظریه خدمت عمومی گفتند که این نظریه نمی تواند پاسخگویی همه فعالیت های اداری باشد و ناقص است، زیرا اولاً بعضی یا بسیاری از کارهای که دولت انجام می دهد جزء خدمات عمومی نیست مانند: امور مربوط به مالیات ها، استقراض، اموال عمومی و دیگر منابع دولت. ثانیاً دولت فعالیت های غیر اداری بسیاری انجام می دهد مانند بعضی از تصمیم گیری های قوه مقننه که

طبق قانون اساسی، اداری محسوب نمی شود و لذا دادگاه های اداری نمی توانند شکایت علیه تصمیمات مزبور را استماع کنند (البته شکایت علیه تصمیمات و اعمال دستگاه های اداری قوه مقننه، مثلاً برای جبران خسارت قابل رسیدگی است). ثالثاً اعمال قوه قضائیه ماهیت خدمت عمومی دارد ولی هرگز جزء اعمال اداریمحسوب نمی شوند. رابعاً اعمال تجاری و صنعتی دولت مطلقاً جنبه عمومی ندارند، هرچند که ممکن است به طور غیر مستقیم در جهت خدمت عمومی به کار گرفته شود (عباسی و اکبری، ۱۳۹۱: ۴۹).

۱-۱- مفهوم و معیارهای خدمت عمومی

مفهوم خدمات عمومی از مفاهیم راهبردی و بنیادین حقوق عمومی به شمار می رود، بدین خاطر مفهوم خدمات عمومی نه تنها کمتر از جایگاه مفهوم اقتدار عمومی نیست؛ بلکه می توان گفت که ایندو مفهوم دوشادوش هم دو پایه غیر قابل انکار حقوق عمومی را تشکیل می دهند.

به گفته دولوبادر: «خدمت عمومی ماهیت ویژه ای در برابر سایر خدمات ندارد جزء اینکه هدف آن تأمین منافع عمومی است و همین عامل شخصی است که به خدمتی وصف عمومی می بخشد.» پرفسور ژر در تعریف خدمات عمومی چنین می گوید: «خدمات عمومی منحصر به نیاز های عام المنفعه است که دولت مردان یک کشور در برهه ای از زمان معین تصمیم می گیرند تا آن نیاز ها از طریق سازمان های عمومی یا دولتی برآورده کنند و...» (شهبازی نیا، ۱۳۹۶: ۵۸). دوگی حقوقدان فرانسوی، حق حاکمیت دولت را انکار و حاکمیت را بر پایه خدمات عمومی بررسی می کند. وی وجود حاکمیت را برای دولت به معنی انکار قواعد حقوق در روابط داخلی و بین المللی می داند و معتقد است قدرت و حاکمیت وقتی مشروع است که دولت این قدرت را برای انجام خدمات مورد نظر عموم به کار گیرد و در انجام وظایف قانونمند باشد و بر این باور بود که دولت باید به عنوان مجموعه ای از خدمات عمومی سازماندهی و نظارت شده توسط دولتمردان در نظر گرفته شود. از نظر لئون دوگی خدمت عمومی فعالیت عام المنفعه ای است که برای تحقق و توسعه وابستگی متقابل اجتماعی ضروری است و به طور مستمر زیر نظر حکومت کنندگان ارائه می شود و همچنین خدمات عمومی عبارت است از هرگونه امری که باید از طرف دولت تنظیم، تأمین و کنترل شود؛ زیرا وجود آن برای تحقق و توسعه همبستگی اجتماعی ضروری بوده، طبیعت آن به گونه ای است که تأمین آن به طور شایسته فقط به وسیله دولت ممکن و میسر است (ویژه، ۱۳۸۳: ۷۶).

در کل خدمات عمومی فعالیتهای عام المنفعه ای هستند که توسط دولت یا قانونگذار تصویب و تصمیم به انجام آن گرفته شود و توسط یک شخص حقوق عمومی انجام گردد یا یک نهاد خصوصی یک فعالیت عام المنفعه را به پیروی از قواعد حقوقی خاص که حاوی امتیازات و یا تکالیفی است ارائه نماید. اصطلاح خدمات عمومی می تواند یک مفهوم سازمانی و یک مفهوم ماهوی و کاربردی داشته باشد.

۱-۱-۱ مفهوم خدمت عمومی

اصطلاح خدمت عمومی را می توان در یک معنای سازمانی نیز عنوان کرد. از نظر لئون دوگی خدمت عمومی فعالیت عام المنفعه ای است که برای تحقق و توسعه وابستگی متقابل اجتماعی ضروری است و به طور مستمر زیر نظر حکومت کنندگان ارائه می شود.

خدمت عمومی به معنی سازمانی به معنی یک سازمان و یک دستگاه اداری یعنی مجموعه ای از کارمندان و ابزارها، امکانات و تجهیزات مادی برای انجام یک وظیفه خاص می باشد؛ این مفهوم به جای توجه به ماهیت و اهداف خدمات عمومی به نهاد ها و سازمان های ارائه دهنده آن توجه می شود. درباره مفهوم سازمانی خدمت عمومی می توان گفت که خدمت عمومی فعالیتی است که همیشه یک شخص عمومی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر عهده دارد. در این مفهوم از خدماتعمومی مقصود اداراتی است که موظف به تهیه اموال و خدمات هستند مثل خدمت عمومی آموزش، خدمت عمومی حمل و نقل، خدمت عمومی بهداشت و... یا به طور خلاصه می توان گفت که:

«خدمات عمومی عبارتست از یک سازمان یا ساختمان حقوقی، که به وسیله این سازمان یا ساختمان حقوقی، نیاز ها و منافع عموم برآورده می شود.» (شمس، ۱۳۸۸: ۵۶).

۲- خلاء های قانونی و ساختاری معیارهای واگذاری خدمات زیست شبانه سازمان بهزیستی

قابلیت دولت در اجرای برنامه های توسعه فضای شهری و همچنین انجام وظایف و مسئولیت اجتماعی به معنای آن است که بتواند از گزینه های ابزاری مختلف استفاده کند که در دسترس دارد و از آنان برای نیل به اهداف بهره گیرد. به طور کلی، دولتی که فاقد قابلیت است، با آسیب پذیری های زیاد روبه رو خواهد شد. چنین دولتی قادر نخواهد بود تا سطح رفاه شهروندان خود را ارتقاء دهد؛ درآمد ملی آنان را افزایش دهد و در نهایت اینکه بسترهای خروج جامعه از فقر را فراهم آورد. اگرچه قابلیت، ماهیت ترکیبی دارد؛ مولفه های

فردی، اجتماعی و اقتصادی در تحقق آن تاثیر گذار هستند؛ اما دولتی که بتواند اهداف اجرایی خود را عملیاتی کند از قابلیت بالا برخوردار است.

دولت های ورشکسته در زمره واحدهایی محسوب می شوند که قابلیت محدود دارند. به عبارت دیگر، قابلیت را می توان به عنوان چگونگی رابطه «اولویت های اجرایی انتخاب گزینه رفتاری» تلقی کرد. دولت هایی که نتوانند اهداف مورد نظر خود را تحقق بخشند و یا اینکه نسبت به وظایف و مسئولیت های اجتماعی خود بی توجه باشند؛ قادر به سیاستگذاری اقتصادی مطلوب نبوده و در نتیجه، جایگاه خود را در افکار عمومی جامعه از دست می دهند.

کشورهایی از «امنیت اجتماعی» برخوردارند که اولاً، از قابلیت ساختاری بالایی بهره دارند؛ ثانیاً، بین اهداف و چگونگی تحقق آن هماهنگی وجود دارد. به این ترتیب، کشورهایی از امنیت اجتماعی برخوردار هستند که بستر لازم برای انجام تعهدات دولت در حوزه مسئولیت اجتماعی آنان وجود داشته باشد. قابلیت ساختاری دارای شاخص های ملموس و کمی است. مطلوبیت و رفاه در زمره چنین شاخص هایی محسوب می شوند. رفاه با درآمد اقتصادی شهروندان ارتباط دارند. در حالی که مطلوبیت بیانگر چگونگی رضایت آنان از سیاست های اجتماعی و اقتصادی محسوب می شود. (بصیری مؤدهی و محملی ابیانه، ۱۳۹۱: ۶۵).

نشانه هایی از جمله امنیت اقتصادی و اجتماعی را می توان در حوزه مطلوبیت دولت در نگاه جامعه دانست. دولت هایی که از قابلیت ساختاری بسیار برخوردارند و از این قابلیت برای اجرای مسئولیت اجتماعی خود بهره می گیرند، قادر هستند تا فقر و نابرابری اقتصادی را کاهش داده و از این طریق بسترهای لازم برای تحقق اهداف اجتماعی جامعه محور و همچنین توسعه انسانی را فراهم آورند. به همین دلیل است که در گزارش بانک جهانی موضوع مربوط به مبارزه با فقر در زمره مسئولیت اجتماعی دولت ها قرار داده شده است. سیاستگذاری اقتصادی باید معطوف به فرآیندی باشد که بسترهای تحقق جامعه ای را فراهم آورد که فقر و بی خانمانی به حداقل خود کاهش یابد. بانک جهانی تحقق این امر را در شرایطی امکان پذیر می داند که بسترهای «توانمند سازی ساختاری» بوجود آید. این امر بخشی از مولفه های امنیت اجتماعی محسوب می شود (شمس، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

قابلیت دولت برای اجرای مسئولیت اجتماعی در حیطه حیات شبانه از طریق چگونگی برنامه ریزی و سیاستگذاری اقتصادی و فرهنگی حاصل می شود. به طور کلی، دولت باید بتواند برای عملیاتی سازی قابلیت ساختاری خود، بستر ارتقاء قابلیت فردی، قابلیت اجتماعی و قابلیت های محیطی را فراهم آورد. هر یک از مولفه های یاد شده دارای نشانه و شاخص های کمی هستند. به طور کلی مثال شاخص های قابلیت فردی شامل سواد، مهارت های فنی، تغذیه مناسب، سلامتی و آرامش است.

از سوی دیگر، قابلیت اجتماعی در شرایطی ایجاد می شود که بستر لازم برای تحقق فرصت های آموزشی برابری جنسیتی، تامین ارزش های انسانی در بین گروه های اجتماعی فراهم شود. در نهایت این که قابلیت های محیطی شامل مولفه ها و موضوعاتی همانند محیط زیست، آرامش ذهنی، امکانات زیر بنایی، نهادهای کارآمد و توزیع کالاهای عمومی در بین شهروندان خواهد بود.

در نظام های دموکراتیک این موضوع مورد توجه قرار می گیرد که به هر میزان «آزادی اجتماعی» افزایش یابد؛ بستر برای ارتقاء «قابلیت های عمومی» شهروندان و همچنین ارتقاء قابلیت های ساختاری و قانونی فراهم می شود. اگر چه چنین رویکردی در ادراک مقامات اجرایی بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشاهده نمی شود؛ اما می توان به این جمع بندی رسید که بین ساختار سیاسی و مسئولیت اجتماعی دولت در روند سیاستگذاری اقتصادی رابطه مستقیم و هماهنگ وجود دارد.

این امر بیانگر آن است که در ساختارهای سیاسی اقتدار گرا، شهروندان چندان آزادی عمل برای طرح مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود ندارند. به همین دلیل است که دولت ها از آزادی عمل قابل توجه برخوردار می شوند. در چنین شرایطی، دولت ها به مسئولیت اجتماعی خود و چگونگی بهره گیری از قابلیت های ساختاری در فضای دموکراتیک چندان توجه مبذول نخواهند داشت.

یکی از مباحث اصلی اقتصاد توسعه را می توان ارتقاء قابلیت ساختاری دولت برای توجه بیشتر به مسئولیت اجتماعی خود دانست. به عبارت دیگر، اگر درآمد سرانه در چارچوب برنامه های توسعه اقتصادی افزایش یابد؛ این امر بستر بهبود کیفیت زندگی انسان ها را فراهم می سازد. از سوی دیگر، افزایش «درآمد سرانه» به منزله آن است که اشتغال افزایش یافته و به این ترتیب، بستر برای «بسط دامنه انتخاب» انسان ها به وجود می آید. انتخاب مسکن، شغل و رهیافت های سیاسی- اجتماعی از شرایطی ناشی است که جوامع از وضعیت توسعه نیافتگی خارج شده و روندهای رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را سپری می سازند.

لازم به توضیح است که رشد اقتصادی به تنهایی نمی تواند نشانه توجه دولت به مسئولیت اجتماعی باشد. نظریه پردازان جدید توسعه بر این اعتقاد هستند که توسعه انسانی، رفاه، مبارزه با فقر و رفعتبعیض در زمره اصلی ترین وظایف ساختاری دولت محسوب می شود. این امر به مفهوم آن است که به هر میزان دولت ها به مسئولیت اجتماعی خود توجه بیشتر داشته باشند؛ به همان میزان نیز بستر برای از بین رفتن شاخص های مغایر با توسعه انسانی فراهم می شود.

به عبارت دیگر، توسعه انسانی در شرایطی تحقق می یابد که امکان همکاری جامعه، طبقات اجتماعی - اقتصادی و دولت در راستای اهداف عمومی نظام سیاسی فراهم شود. اگر رشد اقتصادی بدون توجه به شاخص هایی همانند رفاه عمومی، مبارزه با فقر و رفع تبعیض انجام گیرد؛ این امر به مفهوم آن است که مسئولیت اجتماعی دولت مورد توجه قرار نگرفته و به موازات رشد اقتصادی، بستر برای شکل گیری چالش های جدید در حوزه های ساختاری به ویژه در عرصه توسعه انسانی و توسعه اجتماعی بوجود آمده است (دادپور، ۱۳۹۰: ۸۷).

۱-۲ خلاء های قانونی و اگذاری خدمات زیست شبانه سازمان بهزیستی

حیات شبانه یکی از طرح هایی بود که طی دو سال (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) از سوی برخی از اعضای شورای شهر تهران ارائه شده و در مقاطعی نیز اجرا شد، حتی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ نیز در چند نقطه از تهران این طرح به شکل پایلوت اجرا شد، اما به نظر می رسد که اجرای دائمی مصوبه شورای شهر تهران حداقل نیازمند تأمین سه شرط اصلی پلیس باشد.

این طرح زمستان سال ۱۳۹۷ و در صد و بیست و دومین جلسه شورای شهر زیست شبانه در تهران مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و کلیات لایحه «الزام شهرداری به برنامه ریزی و بسترسازی و احیای زیست شبانه» با ۱۴ رای موافق در شورای شهر تصویب شد.

بنابراین وجود زندگی شبانه پویا و سرزنده در مراکز شهری یکی از ویژگی های بارز شهرهای موفق دنیاست، بسیاری از فضاها در تهران از جمله در مراکز درون شهری و به خصوص در مناطق ۶ و ۱۲، عملکردهایی را دربردارند که محدود به ساعات اداری در شهرهاست و پس از پایان این ساعات این نواحی از شهر به ناامن ترین نواحی شهر تبدیل دچار سکوت و بی تحرکی می شوند. در شهرهای مختلف دنیای اقدامات بسیاری در زمینه احیای منظر و زیست شبانه آنها انجام شده است. شهرها برای موزه گردی، رفتن به سینما و تئاتر در اوقات شبانه مردم محلی و همچنین توریست ها تاکید دارند. گسترش عرصه حیات شبانه و فعالیت های غالب آن مزایا و عایدی های اقتصادی فراوانی را برای شهرهای مختلف به وجود آورده است. (شهبازی نیا، ۱۳۹۶: ۵۹).

این وضعیت مختص کشورهای غربی نیست و در کشورهای همسایه از جمله کشورهای اسلامی نیز این ویژگی دیده می شود و به عنوان مثال شب های دبی همچون روزها دارای ترافیک اتومبیل ها بوده و رستوران های ساحلی و فروشگاه ها و مراکز تفریحی مخاطبان فراوانی دارد. وضعیتی که در سایر شهرهای خاور میانه مانند استانبول یا قاهره نیز به خوبی دیده می شود.

از طرف دیگر در شهرهای مذهبی آسیای غربی همچون مکه و مشهد و کربلا زیست شبانه نه در رستوران ها و قهوه خانه ها بلکه در مراکز مذهبی و زیارتی توسط افراد مذهبی رخ می دهد.

اما مشخصه اصلی زیست شبانه در تمام این شهرها قانونی و موجه بودن بسیاری از فعالیت های ذکر شده در شب های آنها است. به همین دلیل امکانات امنیتی و حمایتی فراوانی برای حمایت از بعد شبانه زندگی شهری انجام شده است؛ اما در کلان شهر تهران عمده تاً بعد از ساعت ۱۲ شب فعالیت های بسیاری از مراکز تجاری و تفریحی تعطیل می شود. زمستان سال گذشته در جریان تصویب برنامه ۵ ساله سوم قرار بر این شد که طرح زیست شبانه برای مناسبت های مذهبی به طور پایلوت و آزمایشی آغاز شود.

بر اساس مطالب فوق پلیس و نیروی انتظامی به این مهم اشاره دارد که اگر قرار است اقدامی در این زمینه انجام شود باید سه امر مهم مورد توجه قرار بگیرد و در همین راستا اعلام کرده است که باید تمهیداتی برای امنیت فروشندگان و مردم در نظر گرفته شود. به بیان دیگر باید پیوست انتظامی، ترافیکی و امنیتی برای این طرح تعریف شود. این تحقیق بر آن است تا: مسئولیت مدنی دولت در قبال زیست های شبانه شهروندان تهرانی را با در نظر گرفتن خلاء های یاد شده مورد بحث و بررسی قرار دهد. بخشی از فعالیت شبانه ی کسب و کارهای مختلف همواره وجود داشته است. آنچه که باعث شده تا از اقتصاد شب سخن به میان بیاید یکی حضور بیشتر مردم در عرصه های عمومی شبانه و دیگری طولانی شدن ساعات فعالیت شبانه و تداوم آن تا نیمه های شب است. (منافی، ۱۳۹۳: ۲۱).

بخش قابل توجهی از فعالیت های شبانه به صورت خودجوش شکل می گیرد و به سبک زندگی مردم مرتبط است. اما بخشی نیز به قوانین و مقررات و اقدامات مسئولین شهری مربوط می شود.

سه مقوله امنیت، حمل و نقل و روشنایی برای اقتصاد و زیست شبانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدون این سه مورد استفاده از شب و فعالیت عرصه های عمومی شبانه غیر ممکن به نظر می رسد. هر سه مورد در حیطه وظایف حاکمیتی است. امنیت را نیروی انتظامی تأمین می کند و روشنایی و حمل و نقل به عهده شهرداری است.

اما امنیت برای دولت هزینه دارد. هزینه آن باید به طریقی تأمین شود. طبق گفته کارشناسان از آنجایی که فعالیت شبانه واحدهای صنفی به معنی درآمد و گردش مالی بیشتر برای آنها است، از این رو، این امکان برای دولت وجود دارد که با افزایش مالیات ستانی از این واحدها، نه فقط هزینه تامین امنیت آنها را فراهم کند، که بر درآمدهای دولت از محل مالیات هم بیفزاید.

در زمینه حمل و نقل نیز نخستین گام های کمک به زیست شبانه را در چند سال گذشته شهرداری تهران برداشت. اتوبوس های خطوط BRT در تهران، نخستین وسیله حمل و نقل عمومی در کشور بود که فعالیت آنها ۲۴ ساعته شد. همچنین فروشگاه های زنجیره ای شهروند فعالیت برخی از شعبه های خود را ۲۴ ساعته کردند.

حق برخورداری از زیست های شبانه به لحاظ گستردگی و ویژگی های خاص دیگر، در چهره یک نهاد و سازمان علمی چون دانشگاه علوم بهزیستی دچار خلاء هایی است و علاوه بر محتوی مشخص دارای اصول کلی نیز می باشد. از حیث محتوی این دانشگاه به صورت می تواند حمایت های اجتماعی و علمی از زیست شبانه داشته باشد. حق برخورداری از زیست امن و به تبع آن زیست شبانه از سوی دولت با هم افزایی در کنار این نهاد دانشگاهی نیز می تواند از طریق سیاست گذاری و قانون گذاری جامع، منبع مالی پایداری را برای افراد جامعه تاسیس و زمینه استقرار امنیت و رفاه را از رهگذر نهاد هایی به ویژه دانشگاه علوم بهزیستی فراهم نماید (زاهدی اصل، ۱۳۸۷: ۴۹).

۲-۲ خلاء های ساختاری و اگذاری خدمات زیست شبانه سازمان بهزیستی

امروزه الگوی سنتی اداره عمومی با توجه به موانع و مشکلات خاص آن از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نمی باشد و بیش از دو دهه گذشته است که، مدیریت دولتی در کشورهای در حال توسعه دستخوش تغییرات اساسی گردیده و این در حالی است که تغییرات شتابان و پیچیدگی های روز افزون باعث ناکارآمدی سبک های سنتی سازمان ها و حتی دولت ها شده است. دولت ها از دیرباز دارای وظایف و تکالیفی بوده اند و برای انجام این وظایف و تکالیف همواره از ابزارهایی بهره گرفته اند. تأکید عمده روش ها و ابزارهای مورد استفاده، کارایی و کارآمدی آن ها در اداره امور بوده است، اما با تغییرات چشمگیری که در وظایف و نقش های دولت ها پیش آمده است، بطور طبیعی تغییراتی در روش ها و ابزارها می بایستی اتفاق بیافتد تا بتوان امور عمومی جامعه را هدایت کرد. بطور کلی می توان سه عامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در دو دهه آخر قرن بیستم را سبب تغییر در مدیریت دولتی دانست که موجب پیدایش موجی از تغییرات در عرصه روش ها، ابزارها و حتی پارادایم مدیریت دولتی شده است. بنابراین با توجه به اهمیت تغییرات روز افزون نقش دولت ها در اداره امور عمومی و تحدید و تشدید حدود آن، بررسی الگوی مدیریت دولتی برای بخش خدمات دولتی ایران با توجه به تجارب جهانی و بهره گیری از ایده های مطرح شده در مدل های مدیریت دولتی جهانی و در نظر گرفتن الزامات بستر و زمینه های بویژه در مسائل فرهنگی- اجتماعی حائز اهمیت ویژه ای است که این پژوهش تا حدودی به آن اشاره کرد. (شهبازی نیا، ۱۳۹۶: ۶۵).

اینکه دانشگاه با مطالعات آکادمیک به موضوع زیست شبانه در ایران وارد نشده، بیشتر به این دلیل است که فرهنگ عامه پسند فاقد مشروعیت آکادمیک تلقی شده است. حتی مطالعات فرهنگی که در سال های اخیر رونق گرفته و بر همین فرهنگ عامه پسند متمرکز بوده، مرتباً با هراس های اخلاقی روبرو بوده و موضوع منازعات بینارشته ای نیز واقع شده است. بازگشایی مطالعات فرهنگی در دانشگاه هایی چون دانشگاه علوم بهزیستی پس از پنج سال تعلیق این نوید را می دهد که این پدیده به مرور بیشتر زیر ذره بین قرار گیرد. بدیهی است که پرداختن به زندگی روزمره لزوماً به معنای کنار گذاشتن مباحث کلان جامعه شناسی نیست چراکه زندگی روزمره بازتاب دهنده مسائل کلانی است که تا کنون جامعه شناسان ما درگیر آن بوده اند. زندگی روزمره به اشتباه از دلمشغولی های کلان جامعه شناسان جدا شده است. اگر قرار است شهری بهتر برای زندگی بهتر بسازیم، باید مطالعه فرهنگ عامه پسند مشروعیت آکادمیک پیدا کند.

چالش دیگر این دانشگاه احتمال پرداختن به مقاصد مبتنی بر خرده فرهنگ ها طی برگزاری برخی مناسک دینی است، مقاصدی که اغلب با استعار دنبال می شوند. وقتی امر مقدس و نامقدس هم عرض می شوند و کنار هم قرار می گیرند، یکی از تعاریف، تخطی کارناوالی است. یکی از مصادیق آن تولید امر کارناوالی است و عنصر و مکانیسم وارونگی که اتفاق می افتد و کل سلسله مراتب فرهنگی و اجتماعی و قشر بندی فرهنگی بین فرهنگ والا و پست دگرگون می شود. شبیه آنچه در ابراز شادی ها پس از پیروزی ملی فوتبال در خیابان ها می بینیم. آنچه هنجار و قانون است موقتاً به حال تعلیق درمی آید و پس از آن با اینکه سریعاً نظم اعاده می شود اما تا مدتی آن حالت بی نظمی کارناوالی وجود دارد. اینها به شکل گیری امر کارناوالی کمک می کنند. امر کارناوالی به صورت شادی های گاه به گاه خیابانی به بهانه پیروزی فوتبال، انتخابات ریاست جمهوری، چهارشنبه سوری و... صورت می گیرد. همه این موارد، آن فضاهای به ظاهر معصوم را کارناوالی می کنند. فضاهایی که مدیریت شهری می سازد معلوم نیست با همان کاربری هایی که مورد نظر سازنده بوده است ادامه حیات دهند یا کارکردهای جدید برای آنها ایجاد شود. (علیمردی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۷).

و در پایان دانشگاه مزبور با بروز نوعی نابرابری اجتماعی و کنارگذاری فضایی و حتی غیرفضایی از منظر مدیریت شهری در استفاده از فضای زیست شبانه مواجه است. بسیاری به خودشان اجازه نمی دهند به هر فضا و مکانی از شهر تهران وارد شوند. این «عمومی بودن» در تضاد است. این کنارگذاری های فضایی از سوی هیچ یک از دو طرف نباید وجود داشته باشد. تحقیقات نشان می دهد هر دو طرف شکایت هایی در این زمینه از یکدیگر دارند و نوعی دوقطبی فرهنگی اجتماعی وجود دارد. نوعی وضع نامرئی در الگوی روابط طبقاتی،

قومی، جنسیتی و مذهبی در شهر تهران مشاهده می‌کنیم. بنابراین فضای زیست شبانه اگر قرار باشد این شکاف‌ها و دوقطبی‌ها را تشدید کند، به چالشی دیگر در مدیریت شهری تبدیل خواهد شد (سامانی، ۱۳۹۱: ۳۶).

مدیریت شهری به تجربه شخصی خودش نباید بسنده کند؛ این هم چالش بزرگی است. مدیریت شهری باید سراغ مردم و کسانی که تجربه زیسته دارند برود تا آنها بگویند در شهر چه خبر است. رفتار مدیریت با شهر نباید صرفاً مبتنی بر رویکرد طراحی شهری باشد. مدیران شهر باید با ذهن آدم‌ها و خلاقیت و فعالیت و توانایی آنها آشنا شوند تا بتوانند شهر را بازتعریف کنند.

۳-۲ مشارکت با بخش خصوصی در قبال ارائه زیست شبانه

با ضعیف شدن ساختارهای زمانی، که در دوران جدید محدودیت‌هایی در زندگی ما ایجاد می‌کند، جامعه ی ۴۲ ساعته خلق شده است. در نتیجه ی آن، استفاده از وقت و زمان و الگوی فعالیت‌ها به صور گوناگون افزایش و یا کاهش یافته است. با در اختیار گرفتن زمان شب در یک جامعه ی ۴۲ ساعته، مازمان بیشتری خلق نمی‌کنیم، بلکه از زمانی که در اختیار داریم موثرتر بهره می‌گیریم و از چنگال محدودیت زمانی خارج می‌شویم. نورپردازی، تعریف کننده ی هویت و سیمای شبانه ی شهر است و نبودن و تاریکی عوارضی چون افزایش تصادفات، حوادث، جرایم و بزهکاری و کاهش امنیت اجتماعی را سبب می‌شود. بافت‌های تاریخی امروزه کم و بیش خالی از سکنه شده اند و بیشتر ساختمان‌ها تبدیل به انبار شده اند که نه تنها باعث جرم و نا امنی شده، هویت و سرزندگی بافت‌های تاریخی، که هویت یک شهر شناخته می‌شوند را از بین برده اند. هدف از پژوهش پیش رو دستیابی به منظر شب پویا و سرزنده است. تقویت حیات شبانه، افزایش حضورپذیری مردم و افزایش ایمنی و امنیت را سبب می‌شود و عواملی مانند رشد اقتصاد در سطح کلان و خرد و صنعت توریسم را در پی خواهد داشت. باززنده سازی حیات شبانه در بافت‌های تاریخی نه تنها ایمنی و امنیت را بالا می‌برد بلکه کیفیت محیطی این فضاها را بالا برده و حفاظتی است از بناهای با ارزش تاریخی و تقویتی است از میراث ارزشمند فرهنگی و تاریخی کشور. یکی دیگر از نتایج حاصل از تقویت حیات شبانه، رشد اقتصادی در سطوح مختلف خرد و کلان می‌باشد. در مقیاس خرد، افراد جامعه با تقویت حیات شبانه مدت زمان بیشتری را در این بافت‌ها سر می‌کنند که منجر به رونق اقتصادی می‌شود. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴).

مشارکت با بخش خصوصی در قبال ارائه زیست شبانه می‌تواند اقتصاد شهرها را در فضای رقابتی متحول نماید و موجبات رفاه، آسایش و رضایتمندی شهروندان یک جامعه را فراهم آورد، ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، موضوع اجرای خصوصی‌سازی را به استناد اصل (۴۴) قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، سرلوحه راهبردهای کلان توسعه و تحول اقتصادی خود قرار داده است و در این راستا دولت و سازمان بهزیستی اهتمام قابل توجهی را نسبت به توسعه فضای شهری و حیات شبانه مبذول داشته است.

لذا اجراء این سیاست که به عبارتی یک تکلیف قانونی نیز هست اهمیت تسریع و تسهیل در اجراء فرآیند خصوصی‌سازی را دو چندان می‌نماید. واضح است که هر تغییر وضعیتی در جامعه و فضای شهری، مشکلات و موانع و چالش‌های خاص خود را دارد (علی‌مردادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۶).

۴-۲ واگذاری مدیریت به بخش خصوصی در قبال ارائه زیست شبانه

تهیه و ارائه خدمات عمومی می‌تواند از طریق قرارداد به بخش غیر دولتی واگذار شود ولی دو عنصر اساسی در این قراردادها باید رعایت شوند:

اول: خدمات عمومی در جهت منافع عمومی باشد: البته ممکن است قرارداد برای منافع گروهی از شهروندان مثلاً دانشجویان یک دانشگاه یا برای منطقه خاصی مثلاً شهروندان شهر شیراز منعقد شود.

دوم: فعالیت‌های بخش خصوصی نیز در قلمرو حاکمیت حقوق عمومی قرار بگیرد.

در کل می‌توان سه نوع قرارداد که هدف آن خدمت عمومی است را تشخیص داد:

۱- قراردادهای مربوط به اجرای امور عمومی (کارهای عمومی)

اجرای امور عمومی یک عمل مدیریت است که در آن امتیازات قدرت عمومی هم از لحاظ اجرا هم از لحاظ کارها و امور در قراردادهای ذیل به خوبی آشکار است.

-در قراردادهای منعقد بین اداره و مقاطعه کاران برای اجرای تمام کارهای ساختمانی دارای نفع عمومی.

-در قراردادهای امتیاز کارهای عمومی.

۲- قراردادی که برای تصرف حوزه های عمومی منعقد می‌شود. مثلاً تصرف زمین یک گردشگاه عمومی برای ایجاد یک رستوران که معمولاً توسط شهرداری‌ها به اشخاص برای ایجاد رستوران داده می‌شود یا برای ایستگاه قطار یا مجتمع قضایی.

۳- قراردادهای مربوط به اجرای خدمت عمومی که بر طبق آن یک شخص حقوق خصوصی به طور جزئی یا کلی یک خدمت عمومی را اجرا می کند و اداره اجرای آن را طبق قرارداد به این شخص واگذار کرده است. و منظور از قراردادهای ناظر بر خدمات عمومی در این تحقیق همین نوع از قراردادها است. (بصیری مزدهی و محملی ابیانه، ۱۳۹۱: ۴۲).

می توان قراردادهای ناظر بر اجرای خدمات عمومی را به دو دسته تقسیم کرد:

الف: قراردادهای واگذاری ارائه اصل خدمت زیست شبانه

در این نوع از قراردادها دولت، سازمان های دولتی و مؤسسات عمومی اصل خدمات عمومی را به وسیله قرارداد به بخش غیر دولتی واگذار می کنند. قراردادهای مربوط به ارائه خدمات امنیتی، ارائه خدمات ترافیکی، خدمات فرهنگی و اقتصادی و... نمونه های از این نوع قراردادها هستند که در این قراردادها منظور از اصل خدمت همان خدمتی است که سازمان، وزارتخانه و یا مؤسسه بخاطر آن خدمت شکل گرفته است.

ب: قراردادهای واگذاری امکانات و تأسیسات ارائه خدمات عمومی زیست شبانه

این قسم از قراردادهای به تأسیسات، امکانات و تسهیلات ارائه و اجرای خدمات زیست شبانه مربوط می شود که سازمان ها و مؤسسات دولتی تأسیسات، و تسهیلات ارائه خدمات عمومی را به وسیله قرارداد به بخش خصوصی واگذار می کنند. قراردادهای مربوط به تأسیسات خدمات ارتباطی، و ساخت پاسگاه و... نمونه های از این نوع قرارداد می باشند. بسیاری از امور و خدمات حاکمیتی در انحصار دولت است و از طریق قرارداد قابل واگذاری نیستند ولی امکانات و تأسیساتی که لازمه و نیاز این خدمات هستند از طریق قرارداد قابل واگذاری است. (منافی، ۱۳۹۳: ۴۱).

بدین ترتیب در تعریف قراردادهای ناظر بر اجرای خدمات حیات شبانه می توان گفت که گروهی از قراردادهای اداری و تابع قواعد خاص هستند که سازمان ها، شرکت ها و نهادهای دولتی و عمومی مرکزی و محلی برای اجرا و انجام خدمات عمومی منعقد می کنند و تأمین نیازها و منافع عمومی مردم یک منطقه یا یک کشور هدف این قراردادها می باشد. به عبارت دیگر قراردادهای است که بر طبق آن یک شخص حقوق خصوصی به طور جزئی یا کلی یک خدمت عمومی را اجرا می کند و اداره اجرای آن را طبق قرارداد به این شخص واگذار کرده است. قراردادهای مانند قراردادهای منعقد بین دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی در ارائه و انجام خدمات عمومی (حمل و نقل، فضای سبز و...) که به طور معمول برای ارائه خدمت بین دستگاه های دولتی با اشخاص حقیقی و حقوقی منعقد می شود و دولت به جای اینکه مباشر مستقیم باشد از طریق انعقاد قرارداد به دیگران واگذار می کند و موضوع این گونه از قراردادها بیشتر نیروی انسانی جهت انجام و ارائه خدمات عمومی است (قدیمی و کرامتی، ۱۳۹۶: ۴۶).

در فضای شهری مانند تهران حداقل در میان مدت از این سه در دو بعد دیگر نمی توان مداخله جدی کرد: نه می توان جمعیت میلیونی که از اقصی نقاط کشور به جبر معیشت به پایتخت جذب شده اند را از آن جدا کرد و نه از عرصه زمین و ارتفاع شهر چیز زیادی باقی مانده که آن را به سرانه های عمومی بازگرداند. زمان اما در این میان عنصری است که تهران تاکنون به علل بسیار از ظرفیت آن برای گشودگی فضای زندگی شهروندان غافل بوده است. عمده ساکنان پایتخت روزهای فشرده و پرمشغله ای دارند و مجبورند هر کاری دارند در ساعات محدود روز به انجام برسانند و در انجام این تکلیف دشوار باید با غول ترافیک هم گلاویز شوند. مردم تهران به «فقر زمان» دچار شده اند. با پایان روز، شهر هم رفته رفته خاموش می شود و گرچه زیستی غیررسمی با شروع شب آغاز می شود اما این زیست شبانه به علت قرار گرفتن در خارج از محدوده رسمی برنامه ریزی و مدیریت شهری هم ناقص و نابالغ باقی مانده هم با آسیب هایی همراه بوده است. همین به رسمیت نشناختگی زیست شبانه در سال های گذشته، موجب بدنامی و شکل گیری ذهنیت های منفی در مورد فعالیت های شبانه نزد برخی از تصمیم گیران شده است. در ذهنیت این تصمیم گیران، شهر شب با بزه، رفتارهای ناپهنجار به خصوص جوانان، ناامنی و فضاهای کنترل نشده تداعی می شود.

اما چه بخواهیم چه نخواهیم ما در عصر شهری شدن زندگی می کنیم، عصری که جمعیت شهری جهان بر جمعیت روستایی آن غلبه یافته و زندگی شهری سبک غالب ساکنان کره زمین شده است. روز به روز بر تعداد کلان شهرهای جهان افزوده می شود و ظهور این کلان شهرها اقتضانات خود را بر سبک زندگی انسان ها تحمیل کرده اند. ساکنان کلان شهرها در سرتاسر جهان، برای جبران فقر زمانی خود مجبور شده اند تأمین بخشی از نیازهای خود را به ساعات شب موکول کنند. علاوه بر این کوچ اجباری به شب، شهرهای بزرگ امروزی شاهد حضور طبقات و گروه های جمعیتی هستند که نه از سر اجبار که از سر میل و سلیقه، ترجیح می دهند شب ها بیرون بزنند و اوقات خود را در فضای شبانه سپری کنند. انواع گروه های نوجوانان، جوانان، هنرمندان و روشنفکران، فعالان مدنی که در روز به معیشت شخصی خود مشغول هستند و لاجرم باید فعالیت های داوطلبانه خود را در شب پی بگیرند و البته گردشگران از جمله طرفداران زیست شبانه هستند. این روندی است که همه شهرهای بزرگ دنیا طی کرده اند و مانند دیگر مقتضیات زمانه مانند فناوری های نوظهور کسی را یارای مقابله و سد کردن مسیر آنها نیست. تجربیات جهانی نشان می دهند هرگاه زیست شبانه از محدوده رسمی مدیریت یکپارچه شهری حذف شود و به

حال خود رها شود یا حتی سرکوب شود، نتیجه‌اش نه توقف و از بین رفتن زیست شبانه که نابهنجار شدن آن و البته گرفتاری‌های پیچیده‌تر برای مدیریت شهری است. همین تجربیات جهانی نشان می‌دهند هرگاه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با رعایت اصل مشارکت و یکپارچگی وارد ساماندهی زیست شبانه شهر شده، نتیجه‌اش رونق اقتصادی شهر، نشاط اجتماعی، برقراری امنیت پایدار و رضایتمندی شهروندان بوده است. (سامانی، ۱۳۹۱: ۶۷).

شورای شهر پنجم با توجه به این ضرورت‌های عینی و با مطالعه تجربیات جهانی، یکی از ماموریت‌های اصلی خود را ساماندهی زیست شبانه کلان‌شهر تهران قرار داده است و در همین راستا طی مصوبه‌ای با عنوان «الزام شهرداری تهران به برنامه‌ریزی و انجام اقدامات لازم برای بسترسازی تحقق زیست شبانه» شهرداری تهران را ملزم کرد که طرح احیای زیست شبانه شهر تهران را تهیه و به شورا ارائه کند. این ماموریت از نظر شورای شهر پنجم چنان مهم بود که علاوه بر این در بخش‌های مختلف برنامه پنج‌ساله سوم توسعه شهر تهران هم سرفصل‌هایی را به آن اختصاص داده است. همه این تأکیدات و مطالبات اولاً همان‌طور که گفته شد ناشی از ضرورت‌های عینی جامعه شهری امروز است و ثانیاً نتیجه ساعت‌ها بحث و بررسی کارشناسی با حضور همه ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان شهر از جمله نمایندگان نیروی انتظامی به‌عنوان مسوول اصلی تأمین امنیت شهر بوده است.

در جلسات و مطالعات کارشناسی به‌عمل آمده بارها بر این امر تأکید شده که حضور گروه‌های مختلف مردم از جمله خانواده‌ها در فضای شبانه شهر، خود قوی‌ترین ضامن امنیت و بهترین ابزار نظارت است و این کاملاً خلاف تصور ذهنی برخی از مسوولان است که رونق‌بخشی به زیست شبانه موجب دغدغه‌های امنیتی و اجتماعی می‌شود. آنچه امنیت ذهنی و پایدار جامعه را تهدید می‌کند غفلت از فرآیند تغییرات جامعه و انکار و رها کردن آنها به حال خود است. نگاه امنیتی و ترس‌زده به تحولات اجتماعی همیشه از جامعه و تحولات آن عقب می‌افتد و فرصت برنامه‌ریزی و هدایت این تغییرات به سمت پیشینه کردن مزایا و کمینه کردن معایب را از دست می‌دهد. (سامانی، ۱۳۹۱: ۳۴).

نمایندگان مردم در شورای شهر و متخصصان امنیت در نیروی انتظامی با توجه به واقع‌بینی و نگرشی همه‌جانبه به مساله امنیت پایدار و پس از مطالعات مفصل به این فهم مشترک دست یافتند که ساماندهی زیست شبانه از طریق یک مدیریت یکپارچه و مشارکتی با فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم در بخش امنیت، حمل‌ونقل، کسب‌وکار و... می‌تواند امنیت همراه نشاط و رونق اقتصادی توأم با رضایتمندی توده‌های مردمی را به همراه داشته باشد. با این‌همه فرمانداری تهران متأسفانه با تکیه بر همان نگاه تک‌بعدی به امنیت با مصوبه شورا مبنی بر الزام شهرداری به ارائه طرح ساماندهی زیست شبانه مخالفت کرده است و حتی در نامه مخالفت خود الزامات قانونی را که بر اساس آن باید موارد مغایر با قوانین را در مصوبات شورا به‌صورت موردی بیان کند رعایت نکرده است و با بیانی کلی و مجمل کل مصوبه شورا را زیر سوال برده است (الیاسی، ۱۳۹۳: ۶۸).

۳- خلاء های ساختاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در قبال زیست شبانه

از آنجا که مسئولیت اجتماعی دولت در حوزه های مختلف وجود دارد؛ بنابراین، سیاستگذاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی باید در ارتباط با موضوعاتی همانند حقوق اجتماعی، بهداشت، سلامت، فعالیت بخش خصوصی و نقش شرکت ها در توسعه اقتصادی انجام پذیرد. هر یک از حوزه های یاد شده بخشی از فرآیند مسئولیت اجتماعی و سیاستگذاری دولت ها را شامل می شود. بنابراین، دولتی می تواند مسئولیت بیشتری در حوزه اجتماعی عهده دار شود که اولاً، از قابلیت های زیر ساختی برخوردار باشد؛ ثانیاً، بتواند از قابلیت های خود در ارتباط با مسئولیت اجتماعی اش در برابر جامعه و ساختار قدرت در کشور استفاده کند. درباره مسئولیت اجتماعی دولت در برابر گروه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظریات مختلف ارائه شده است. تمامی تحلیلگران مسائل سیاستگذاری عمومی بر این اعتقاد هستند که مسئولیت اجتماعی دولت ها بیانگر چگونگی حمایت آنان از سازمان ها، نهادها، شرکت ها و گروه های اجتماعی است. (منافی، ۱۳۹۳: ۳۱).

۱-۳ نبود ساختار کارآمد و متمرکز در زمینه تأمین امنیت و رفاه شهروندان از سوی دولت

تا پیش از دهه ۶۰ قرن نوزدهم، زمان کار یا به عبارتی زمان روز، مهم‌ترین زمان زندگی محسوب می‌شد و زمان فراغت یا زمان شب، زمانی بیهوده و باقی‌مانده از روز به شمار می‌رفت؛ اما محدودیت‌های ساختار زمانی به وجود آمده از زندگی شهری، توجه‌ها را به منظور بهره‌مندی بیش تر از زمان در اختیار، به حیات شبانه و تداوم زندگی جمعی در ساعات پس از کار روزانه (بهترین فرصت حضور در فضای شهری که بر پایه تجربه حس شهروندی و برقراری ارتباط و تعامل با سایرین صورت می‌گیرد) معطوف ساخت.

یکی از مولفه های اصلی در سرزندگی و حیات شبانه فضاهای عمومی شهر افزایش امنیت فضا از نظر فیزیکی و روانی است. چرا که نبود امنیت در فضاهای عمومی شهر به افزایش رفتارهای ناهنجار کمک می نماید. در نتیجه باعث کاهش حضور شهروندان در فضاهای شهری

در ساعات شبانه شده و از سرزندگی فضا کاسته می شود. این تحقیق با هدف پاسخگویی به اینکه چگونه می توان از طریق ارتقاء امنیت فضا به سرزندگی فضاهای عمومی شهری در ساعات شبانه دست یافت، به کمک روش تحلیل محتوای کیفی متون تخصصی، به استخراج محورهای و موضوعات مشترک امنیت در جهت نیل به سرزندگی محیط می پردازد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که چنانچه نسبت امنیت فضاهای شهری به هنگام شب- رویکردی علمی و برنامه ریزی شده اتخاذ گردد، با افزایش میزان اختلاط کاربری ها، نفوذپذیری بصری و کالبدی، نورپردازی مناسب شبانه و طراحی مناسب کالبدی محیط میزان احساس امنیت درک شده از فضا افزایش مییابد. در نتیجه می تواند ضمن بهبود کیفیت زندگی شهری، نقش مهمی در افزایش سرزندگی فضاهای شهری و ارتقای حیات شبانه فضا نیز به همراه داشته باشد (ابوذری و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۳).

۲-۳ عدم تخصیص بودجه و امکانات لازم در این زمینه

در دهه های اخیر مدیریت شهری و تخصیص بودجه و امکانات لازم در ایران به طور فزاینده ای با چالش های فراوانی روبرو بوده است که این امر ناشی از عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اجرایی، مالی و حقوقی متعددی است (معزی مقدم، ۱۳۸۱: ۳۶). رشد و توسعه سریع و شتابزده و غالباً بی رویه شهرها به واسطه رشد سریع جمعیت شهری، یکی از مسائلی که بر ابعاد مشکلات و معضلات حاضر افزوده است (معاونت عمرانی دفتر برنامه ریزی وزارت کشور، ۱۳۸۱: ۱۱). وجود بیش از ۶۰ درصد از جمعیت کشور در شهرها، بالاتر بودن نرخ رشد جمعیت شهری نسبت به نرخ رشد جمعیت ملی و اختصاص درآمد بسیار بالایی از ارزش افزوده و اشتغال کشور به شهرها، نشان از جایگاه اقتصاد شهری در ایران دارد (قادری، ۱۳۸۵: ۲۲). از دید اقتصاد شهری عواملی چون گسترش دامنه فعالیت های شهرداری ها و بالا بردن سطح انتظارات مردم از آنها و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت شهری نیاز به گسترش منابع مالی و درآمدی شهرداری ها را بیشتر می کند (قلعه دار، ۱۳۸۲: ۲). بنابراین، در میان بخش های مختلف مدیریت شهری، تأمین منابع مالی و درآمدی شهرداری ها اهمیت ویژه ای دارد. زیرا از یک سو کسب درآمد شهرداری ها تأثیر عمده ای در ارائه خدمات به شهروندان دارد و از سوی دیگر فقدان درآمد کافی نه تنها سبب عدم ایجاد خدمات ضروری در شهر می شود بلکه، اساساً اجرای تمامی طرح ها و برنامه های شهری را با مشکل مواجه خواهد ساخت (جمشیدزاده، ۱۳۸۲: ۲۹). طرح موضوع خودکفایی و خوداتکایی شهرداری ها در سال ۱۳۶۲ ش بی توجه به میانی نظری حاکم بر روابط مالی دولت و شهرداری ها و ادامه این سیاست در سال های بعدی، شهرداری های کشور را در شرایط حادی قرار داد و شمارش معکوس برای کاهش سهم آنها از بودجه دولت آغاز شد. به دنبال کاهش وابستگی درآمدی شهرداری ها به دولت و با توجه به تشدید مسائل و مشکلات شهرها در نتیجه رشد جمعیت و مهاجرت ها، حجم زیاد تقاضا برای خدمات شهری و اتکای شهرداری ها به درآمدهای ناپایدار شرایط کار را برای متولیان امور در شهرداری ها دشوار کرده است (نجاریان بهنمیری، ۱۳۷۸: ۲).

بنابراین، عدم برخورداری از منابع مستمر درآمدی - حداقل برای پاسخگویی به هزینه های دایمی - برنامه ریزی مالی و بودجه ای شهرداری ها برای گسترش فضای زمانی شهری را مختل و با این روند منابع درآمدی فعلی جوابگوی هزینه های رو به تزاید شهرداری ها را در سال های آتی نخواهد کرد (قادری، ۱۳۸۵: ۲۳). در نتیجه امروزه برای شهرداری ها نیاز به توسعه فرآیند تصمیم گیری که بتواند امکان تدوین اجرای راهکارهای فعال در مقابله با شرایط متحول را فراهم نماید، شدیداً احساس می شود به گونه ای که از یک سو انتظار مردم افزایش یافته است و آنان خواهان انواعی از نظام های مدیریتی و برنامه ریزی شهری اند که در دسترس بوده و در مقابل نیازهای آنان پاسخگو و مسؤول باشند و از سوی دیگر منابع مالی و دیگر منابع شهرداری ها هر روز محدودتر می شود و نوآوری در فن آوری حیطه مداخله شهرداری ها را دچار تغییرات عدیده ای نموده است به گونه ای که مشکلات اجتماعی و کالبدی شهرها پیچیده تر شده و نیاز به هماهنگی در برنامه ریزی فزونی یافته است. امروزه شهرداری ها در اقصی نقاط جهان از لحاظ مدیریتی با شرایط متغیر و پیچیده ای رو به رو هستند به گونه ای که در برخی از کشورهای پیشرفته، شهرداری ها در مقاطعی از کمک های دولتی جهت اداره شهرها استفاده می کنند و بدون پشتوانه مالی دولت مرکزی در عمل با مشکلات عدیده ای روبرو می شوند (دفتر مطالعات برنامه ریزی شهر تهران، ۱۳۷۱: ۸۵). تجربه ی شهرداری های کشورهای پیشرفته در زمینه شیوه کسب درآمد و تأمین هزینه های شهر حاکی از انجام مطالعات گسترده در زمینه دستیابی به راهکارهای کارآمد جهت تأمین منابع درآمدی جدیدی برای تأمین هزینه های شهر و شهرداری هستند. همچنین در تعدادی از شهرداری های کشورمان اولین محدودیت برای حل مسائل شهری و ناکارآمدی خدمات رسانی به شهروندان در زیست شبانه ناشی از فقدان منابع مالی کافی بوده است و از آنجایی که منابع درآمدی پایدار سهم ناچیزی در تأمین مالی شهرداری ها دارند بنابراین، درآمد شهرداری ها باید در ماهیت خود به سمت منابع پایدار، منظم و قابل وصول حرکت کند و منابع درآمدی ناپایدار جای خود را در ردیف های درآمدی شهرداری ها به منابع پایدار، مستمر و قابل وصول بدهد (علی آبادی، ۱۳۸۰: ۸).

۳-۳ عدم هماهنگی های اداری و سازمانی با نهاد های مسئول

برخی از خدمات عمومی انحصاراً توسط اشخاص حقوقی عمومی اداره می گردد و اشخاص حقوق خصوصی در این امور حق مداخله ندارند مانند خدمات مربوط انرژی اتمی، ثبت اسناد، تأمین امنیت و....

در مورد جایگاه قرارداد در این نوع از اداره خدمات عمومی می توان گفت که چون این نوع از امور و خدمات، امور و خدمات حاکمیتی هستند، فقط دولت به شکل انحصاری می تواند آن ها را ارائه بدهد و بخش خصوصی قادر نیست این خدمات را انجام بدهد. قراردادهای مربوط به اصل خدمات عمومی در اینجا جایگاهی ندارد اما دولت و ادارات می توانند از قراردادهای که مربوط به واگذاری اصل خدمات نیست و مربوط به لوازم و جهت اجرای اصل خدمات است استفاده کنند، مثلاً نیروی انتظامی نمی تواند وظایف اصلی خود که همان امنیت شهروندان است را از طریق قرارداد به بخش خصوصی واگذار کند، ولی می تواند در اجرای کارهای ساختمانی (ساخت یک پاسگاه) و تأمین امنیت حیات شبانه از قرارداد استفاده کنند و این امور را به بخش خصوصی واگذار کنند.

برخی از خدمات عمومی نیز به توسط اشخاص عمومی و هم توسط اشخاص خصوصی اداره می گردد مانند خدمات و کمک های اجتماعی که هم توسط دولت و هم به وسیله انجمن های خیریه و بویژه سازمان بهزیستی و علوم توانبخشی ارائه می گردد و یا خدمات آموزشی، فرهنگی، بهداشتی، بیمه و.... و این خدمات نیز با عدم هماهنگی های اداری و سازمانی با نهاد های مسئول در زمینه زیست شبانه مواجه است.

امور و خدمات عمومی متضمن رفع نیازها و تأمین منافع عمومی است و اداره آن از روابط آزاد و ابتکار خصوصی خارج شده و به گونه ای در اختیار دولت قرار گرفته باشد، در کنار اموری که به وسیله دولت و مؤسسات تابع آن اداره می شوند. اموری نیز به وسیله افراد و اشخاص حقوق خصوصی اداره می شوند.

خدمات زیست شبانه در زمینه هماهنگی های اداری و سازمانی به دو روش واگذار می شوند؛ قسم اول از طریق قرارداد که با بخش خصوصی (افراد یا شرکت های خصوصی) منعقد می شود و دولت یا نهاد های محلی اداره امور و خدمات شهری را به این افراد واگذار می کنند. در این نحو از اداره خدمات عمومی هم امکان واگذاری اصل خدمات عمومی و هم امکان واگذاری تاسیسات و امکانات و تسهیلات برای ارائه خدمات زیست شبانه از طریق قرارداد به بخش خصوصی وجود دارد. (سامانی، ۱۳۹۱: ۳۶).

روش دیگر مشارکت دادن اشخاص خصوصی و هماهنگی های اداری و سازمانی در مدیریت و راه اندازی بعضی از خدمات عمومی صنعتی و تجاری در عرصه فضای شهری در پرتو زیست شبانه است.

۴-خلاء های قانونی سازمان بهزیستی در قبال زیست شبانه

به تناسب رشد جمعیت شهرنشین در جهان، یکی از مهم ترین چالش های فراروی دولت در ایجاد عدالت اجتماعی و اعتلای حقوق شهروندان، مسئله بهره مندی آنان از حقوق شهری است. در این میان، توجه به حقوق شهروندی آن دسته از افراد که دچار نقص ها، محرومیت ها یا مشکلات خاص اند و به دلایل گوناگون به حمایت های مضاعف نیاز دارند، در فرایندی نتیجه محور بر کیفیت ارائه خدمات عمومی در جامعه از سوی دولت و سنجش سطح حکمرانی خوب در سیستم حکومتی تأثیر مستقیم دارد. به تعبیر یان الیاسون، رئیس سوئدی مجمع عمومی سازمان ملل، «کیفیت جامعه را با چگونگی رفتار آن با آسیب پذیرترین شهروندان اندازه می گیرند» (منافی، ۱۳۹۳: ۳۲).

سخن گفتن از وضعیت و شأن سازمان بهزیستی در قبال زیست شبانه در فراخای حقوق شهری به تعریف آنچه از «شهروندی» مورد نظر ما است، کمک شایانی می کند. شهروندی مجموعه ای از حقوق را اعطا می کند که «هم از سوی تمامی اعضای یک اجتماع سیاسی مطالبه می شود و هم به آنان اختصاص می یابد» (Pakulski, 1996: 86). با این حال، تصور ما از شهروند چه برآمده از تصویر مردم سالار آنتی آن باشد و چه برآمده از ایده روسویی مرد پرهیزگار تداعی کننده تصویری از توانایی فیزیکی و انجام فعالیت های بدنی است. درواقع، اگر گزاره شهروندی را یک واقعیت و پدیده اجتماعی بدانیم، موقعیت شهروند بر حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده برای مشارکت فعالانه در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد (Janoski, 1998: 155). با این نگرش، سازمان بهزیستی که ثمره ارتباط متقابل بین فرد دارای نقص و ناتوانی از یک سو و ویژگی ها و شرایط محیط زندگی اجتماعی او از دیگر سو است معلول را به عنوان کسی که وجودش نمایانگر یک مشکل در شهروندی کامل است، می نمایاند و این نوع نگرش، آسیب مهمی به جایگاه او در سطح جامعه وارد می سازد و اسباب طرد اجتماعی اش را فراهم می آورد.

در حقیقت، نحوه اداره جامعه با این سیاق سبب به حاشیه رانده شدن افراد دارای معلولیت می شود و این امر، نمونه روشنی از جداسازی و اعمال تبعیض علیه افراد دچار معلولیت به شمار می رود؛ درحالی که شهروندان برای زندگی همچون سایر افراد جامعه حقوق مشابه دارند و هیچ گونه استثنایی نباید دامن گیر تحقق حقوق انسانی آنان شود؛ حقوقی مانند حق داشتن زندگی خصوصی و خانوادگی، دسترسی

به خدمات بهداشتی و اجتماعی، فرصت‌های آموزشی و شغلی، مسکن، حمل‌ونقل، دسترسی به اطلاعات و برخورداری از زندگی اجتماعی، تسهیلات ورزشی، تفریحی و حضور در جامعه و مداخله کامل سیاسی در تمامی موضوعات مربوط به آنان. متأسفانه باید اعتراف کرد که افراد معلول هیچ‌گاه به‌طور برابر به عدالت دسترسی نداشته‌اند (Coomber & Andrea, 2009).

یکی از مبتلا به‌ترین موارد تبعیض نسبت به افراد جامعه، اجحاف در بهره‌مندی آنان از مفهوم «حق بر شهر» است. بررسی این نکته که اساساً محیط شهری برای چه قشری از افراد ساخته شده و زیبایی‌شناسی معماری مستطهر به چه رویکردها و حامل چه پیام‌هایی است، نشانگر میزان ارتباط فرضیه‌های شهروندی با محیط است. نیازی به تشریح محرومیت افراد معلول نیست؛ چراکه این موضوع در واقعیت طبیعی زندگی کاملاً پدیدار است. وقتی افراد معلول به محیط «غیرمعلول» دعوت می‌شوند، شکاف میان معلول‌بودن و معلول‌نبودن کاملاً هویدا خواهد بود؛ شاید سخنی گزاف نباشد، اگر گفته شود عدم امکان بهره‌مندی شهروندان از تسهیلات و فضاهای شهری، درواقع نه به خاطر معلولیت آنان بلکه به لحاظ معلولیت اجتماع و ناتوانی آن در سازگاری امکانات فضاهای شهری با نیازهای این طیف از شهروندان جامعه است.

وسایل نقلیه عمومی همچون مترو، تاکسی و اتوبوس عملاً برای آنان غیرقابل در فضای زیست شبانه استفاده است. ورود به بیشتر ساختمان‌های عمومی، اداری، مراکز خرید، بانک‌ها، دانشگاه‌ها، پارک‌ها، مراکز تفریحی، مساجد و اماکن مذهبی و... بدون تحمل دشواری فراوان یا با کمک دیگران، که بعضاً باعث خدشه‌دار شدن عزت نفس و کرامت انسانی این افراد می‌شود، نیز امکان‌پذیر نیست. حتی در بسیاری از ساختمان‌های نو، سطح شیب‌دار در نظر گرفته نشده است و یا پله‌های متعددی در مقابل در ورودی، دسترسی شهروندان را محدود کرده است.

صداوسیما به رسالت قانونی خود کمتر عمل می‌کند (برای نمونه، وظیفه قانونی صداوسیما در اختصاص دو ساعت از برنامه‌های خود در هفته به معلولین، به‌موجب ماده ۱۲ قانون جامع حمایت از حقوق شهروندان). درمجموع، باید پذیرفت که نظام حمایتی مندرج در قوانین و مقررات کشور در خصوص معلولین همچون بسیاری از قوانین دیگر با خلأ ضمانت اجرایی و نظارت روبرو است و احقاق حقوق معلولین از فساد اقتصادی رسوخ کرده در نظام شهری و شهرسازی تأثیر گرفته است. درحالی‌که معلولین و توان‌یابان قشر مهم، فعال و توانمند جامعه را تشکیل می‌دهند. مثلاً، طبق اظهارات رئیس سازمان بهزیستی زنجان در سومین جلسه شورای مناسب‌سازی فضاهای شهری این استان، ۶ هزار و ۶۰۰ معلول در زنجان زندگی می‌کنند اما مناسب‌سازی فضاهای شهری برای زیست شبانه زنجان به‌درستی رعایت نمی‌شود و شهرداری در اجرای پروژه‌ها شهروندان را فراموش می‌کند. همچنین، حضور ۲۳ ورزشکار معلول زنجان در بازی‌های آسیایی اینچئون حاکی است که شهروندان افرادی ناتوان نیستند، اما فضاهای شهری برای فعالیت و حضور آن‌ها در اجتماع مناسب نیست (منافی، ۱۳۹۳: ۳۴).

۱-۴ عدم تصریح قانون در قبال ارائه خدمات زیست شبانه

با وجود این که این قانون اجرای نظام جامع نظام رفاه اجتماعی را هدف قرار داده و سعی نموده که به تمام اصول قانون اساسی مرتبط با مسایل اقتصاد رفاه و تأمین اجتماعی استناد نماید و اجرای آن‌ها را پوشش دهد اما از مواردی در قانون اساسی غافل مانده که به طور مستقیم به نظام جامع تأمین اجتماعی مرتبط است. به طوری که در قانون به اصل بیست و یکم قانون اساسی که به حقوق زنان مرتبط است، هیچ اشاره‌ای نشده است. به ویژه اینکه به موجب بند چهارم این اصل دولت موظف شده که بیمه ای خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست ایجاد نماید.

به طور خلاصه هدف گذاری انجام شده برای تهیه قانون نظام جامع رفاه اجتماعی، هدف گذاری مبتنی بر سیاست کلی و قانون برنامه سوم توسعه و نیز وظایف و ساختارهای نظام جامع تأمین اجتماعی نیست. این طرز تلقی و برداشت سبب شده اصول و رویکردهای این قانون نیز متناسب با قانون برنامه سوم و در چارچوب سیاست‌های کلی نباشد و ضمن اینکه موارد مهمی از جمله اصل ۲۱ قانون اساسی نادیده گرفته شده است.

درباره وضعیت زیست شبانه و استانداردهای داخلی و بین‌المللی حاکم در این زمینه سخن بسیار گفته شده است. اما در حوزه شهرسازی و توجه به وضعیت خاص این قشر از شهروندان ذیل مقررات حقوق شهری — لاقلاً در امر اجرای ضوابط — خلأ ملموسی وجود دارد. قوانین و مقررات حاکم در حوزه شهرسازی و مرتبط با وضعیت معلولین، به سیاست‌های راهبردی در امر تقنین در این حوزه با عدم صراحت مواجه هستند؛ چالش‌های عینی و ضوابط قانونی مرتبط با وضعیت خاص افراد جامعه در راستای حضور در شهر و بهره‌مندی آنان از فضای شهری و حیات شبانه مشهود است. (منافی، ۱۳۹۳: ۵۴).

۲-۴ نبود زمینه های اجرایی لازم از منظر حقوق عمومی به ویژه حقوق شهروندی

مفهوم مناسب سازی محیط در چند دهه گذشته تحول یافته و دامنه شمول بیشتری پیدا کرده است. این مفهوم در ابتدا مترادف با رفع موانع فیزیکی در محیط ساخته شده و «محیط بدون مانع» به کار گرفته می شد. در دهه ۱۹۸۰ م، این مفهوم با قابل دسترس شدن ساختمان ها و محیط شهری و یا «طراحی قابل دسترس»، دامنه شمول بیشتری یافت. در دهه ۱۹۹۰ م، موضوع «طراحی همه شمول» مطرح شد که مفهوم مناسب سازی را بسیار گسترش داد و مسائلی نظیر دسترسی آسان به وسایل نقلیه عمومی، ورودی های یکسان برای همه، نصب انواع راهنماهای صوتی، تصویری، لمسی و طراحی اجزای ساختمان برای استفاده همه مردم، فارغ از میزان توانایی یا محدودیت آن ها را در تدارک و فراهم آوردن زیست شبانه را شامل شد. (حسنی و هاشمی فذکی، ۱۳۹۲: ۸۹).

تبلور حقوق اساسی مردم در قانون اساسی، پیش درآمدی برای حضور آزادانه، آگاهانه و مؤثر آنان در اداره کشور محسوب می شود. متأسفانه، در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضعیت زیست شبانه گروهی از افراد جامعه به عنوان طیفی خاص از شهروندان جامعه مورد شناسایی قرار نگرفته و، به تبع، به حقوق ویژه وضعیت آنان نیز اشاره صریحی نشده است، تنها از خلال اصول کلی مندرج در این قانون می توان رهیافت های حمایتی قانون گذار را که شامل خدمات عمومی به این افراد است را مد نظر قرار داد. این خلأ، و عدم صراحت در زمینه خدمات عمومی نو ظهوری مانند حیات شبانه یکی از کاستی های مهم قانون اساسی به شمار می رود.

در مقدمه قانون اساسی، به آزادی و کرامت انبای بشر به مثابه سرلوحه اهداف قانون اساسی توجه شده و کرامت انسانی جزو مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. توجه به کرامت انسان ها از نظر امکان فعالیت های اجتماعی در اصل سوم نیز قابل تأمل است. همچنین، در اصل نوزدهم سخن از اصل اساسی منع تبعیض است و همگان بهره مند از حقوق مساوی دانسته شده اند. براساس اصل بیستم، همه افراد ملت، یکسانند و در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. به موجب اصل بیست و نهم، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی، مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و... حق است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یکبار افراد کشور تأمین کند.

قانون اساسی ضامن عینیت بخشیدن به آزادی و کرامت انبای بشر است. بنابراین، برعهده همگان و خصوصاً قانون گذار است که با پایبندی به این اصل و لوازم و آثار آن زمینه را برای تحقق عدالت و آزادی و برابری و پیشرفت فرد و جامعه در تمامی عرصه ها و زمینه ها از جمله محیط شهری و زیست شبانه را فراهم آورد (حبیبزاده و رحیمی نژاد، ۱۳۸۶، ۶۰)؛ البته اجرایی شدن این اصول در صحنه عمل و نزد مجریان قانون اساسی و قوای سه گانه، نکته بسیار مهمی بوده که نیازمند مذاقه و مباحثه جدی است.

۵- تعهدات دولت و وظایف علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در قبال ارائه خدمات زیست

شبانه از منظر حقوق عمومی

اگرچه نهاد اصلی قانون گذار در هر کشور، قوه مقننه آن کشور است، اما گاه ورود برخی نهادهای موازی با تعریف صلاحیت های متقارن اسباب چنددستگی و چندگانگی را در سیاق تصویب مقررات در یک حوزه خاص پدید می آورد. از دیگر سو، همواره مجموعه دولت و قوه مجریه نقشی پررنگ در اعتلای حقوق شهروندان و تحقق استانداردهای حقوق بشر در سطح اجماع خود ایفا می کند. در زمینه مقررات و ضوابط شهرسازی نیز همین روال صادق است. درواقع، اگرچه برخی از قوانین مرتبط از سوی قوه مقننه به عنوان مرجع اصلی قانون گذاری در کشور به تصویب رسیده است، ولی به دلایل متعدد، مصوبات و اقدامات قوه مجریه و نهادهای زیرمجموعه آن در جایگاهی مهم تر قرار گرفته در عرصه مدیریت شهری نقشی تأثیرگذارتر به عهده دارند. برای نمونه، نهاد شورای عالی معماری و شهرسازی به عنوان اصلی ترین مرجع تصمیم سازی در حوزه حقوق شهری که دو نهاد عمومی غیردولتی دیگر مکلف به اقدام در حیطه تصمیمات و مصوبات شورای عالی هستند، جزئی از وزارت راه و شهرسازی محسوب شده و اعضای تشکیل دهنده آن از بدنه قوه مجریه گزینش شده اند. با توجه به استدالات فوق و حسب حیطه اختیارات و وظایف گسترده ای که مدیران بدنه قوه مجریه در حوزه های مختلف در ساماندهی و پیشبرد مدیریت شهری بر عهده دارند، علی القاعده موظف اند با نگاهی عمیق تر و آشناتر نسبت به مسائل، نیازها، مشکلات، ظرفیت ها و استعداد های شهر بنگرند و طرح های دغدغه مندتری جهت ارائه در هیئت وزیران آماده کنند تا از این رهگذر اقدامات مفیدتری در جهت تأمین حقوق و مطالبات شهروندان و رفع معضلات موجود در سطح شهر صورت پذیرد.

۵-۱ همگرایی تعهدات دولت و وظایف علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در قبال ارائه خدمات زیست**شبانہ**

تحقق توسعه اقتصادی، بدون عدالت اجتماعی و بدون تامین اجتماعی ممکن نیست. بنابراین اگر توسعه اقتصادی عبارت از رشد مداوم اقتصاد یک جامعه و وضعیت رفاهی افراد جامعه ناشی از دگرگونی معقول در نیازهای اقتصادی و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه باشد در نتیجه می توان آن را از جمله دستاوردها و کمک های تامین اجتماعی به روند توسعه اقتصادی کشور دانست. تامین اجتماعی در حقیقت افزایش رفاه اقتصادی-اجتماعی و امنیت انسان را به عنوان محور توسعه مد نظر قرار داده است. با توجه به اینکه تامین اجتماعی زیر مجموعه از نظام اقتصادی است لذا عملکرد آن شدیداً بر رفاه اجتماعی شهروندان تأثیر می گذارد. رفاه اجتماعی از سازوکارهای ارتقای توسعه اجتماعی است. همچنین رفاه اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد توسعه اجتماعی در سند توسعه اجتماعی اجلاس کپنهاگ معرفی شده است. رفاه اجتماعی تأکید بسیاری بر توانایی های بالقوه انسانی و برابری و عدالت به عنوان یک حرکت واضح به منظور رفع تبعیض است. رفاه اجتماعی سامانه ای منسجم و جامع از خدمات و برنامه هایی است که برای ارتقای توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی و کارکرد های اجتماعی مردم طراحی شده است. (حسنی و هاشمی فذکی، ۱۳۹۲: ۹۱).

کشورهایی از «امنیت اجتماعی» برخوردارند که اولاً، از قابلیت ساختاری بالایی بهره دارند؛ ثانیاً، بین اهداف و چگونگی تحقق آن هماهنگی وجود دارد. به این ترتیب، کشورهایی از امنیت اجتماعی برخوردار هستند که بستر لازم برای انجام تعهدات دولت در حوزه مسئولیت اجتماعی آنان وجود داشته باشد. قابلیت ساختاری دارای شاخص های ملموس و کمی است. مطلوبیت و رفاه در زمرهچنین شاخص هایی محسوب می شوند. رفاه با درآمد اقتصادی شهروندان ارتباط دارند. در حالی که مطلوبیت بیانگر چگونگی رضایت آنان از سیاست های اجتماعی و اقتصادی محسوب می شود.

نشانه هایی از جمله امنیت اقتصادی را می توان در حوزه مطلوبیت دولت در نگاه جامعه دانست.

دولت هایی که از قابلیت ساختاری بسیار برخوردارند و از این قابلیت برای اجرای مسئولیت اجتماعی خود بهره می گیرند، قادر هستند تا فقر و نابرابری اقتصادی را کاهش داده و از این طریق بسترهای لازم برای تحقق اهداف اجتماعی جامعه محور و همچنین توسعه انسانی را فراهم آورند. به همین دلیل است که در گزارش بانک جهانی موضوع مربوط به مبارزه با فقر در زمره مسئولیت اجتماعی دولت ها قرار داده شده است. سیاستگذاری اقتصادی باید معطوف به فرآیندی باشد که بسترهای تحقق جامعه ای را فراهم آورد که فقر و بی خانمانی به حداقل خود کاهش یابد. بانک جهانی تحقق این امر را در شرایطی امکان پذیر می داند که بسترهای «توانمند سازی ساختاری» بوجود آید. این امر بخشی از مولفه های امنیت اجتماعی محسوب می شود.

قابلیت دولت برای اجرای مسئولیت اجتماعی از طریق چگونگی برنامه ریزی و سیاستگذاری اقتصادی و فرهنگی با نهادی چون سازمان بهزیستی حاصل می شود. به طور کلی، همگرایی تعهدات دولت و وظایف علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در قبال ارائه خدمات زیست شبانه باید بتواند برای عملیاتی سازی قابلیت ساختاری خود، بستر ارتقاء قابلیت فردی، قابلیت اجتماعی و قابلیت های محیطی شهری را در شب فراهم آورد. هر یک از مولفه های یاد شده دارای نشانه و شاخص های کمی هستند. به طور کلی مثال شاخص های قابلیت فردی (افراد معلول و غیر معلول) شامل سواد، مهارت های فنی، تغذیه مناسب، سلامتی و آرامش است.

از سوی دیگر، قابلیت اجتماعی در شرایطی ایجاد می شود که بستر لازم برای تحقق فرصت های آموزشی برابری جنسیتی، تامین ارزش های انسانی در بین گروه های اجتماعی فراهم شود. در نهایت این که قابلیت های محیطی شامل مولفه ها و موضوعاتی همانند محیط زیست، آرامش ذهنی، امکانات زیربنایی، نهادهای کارآمد و توزیع امکانات عمومی در بین شهروندان خواهد بود. (حسنی و هاشمی فذکی، ۱۳۹۲: ۸۷).

در نظام های دموکراتیک این موضوع مورد توجه قرار می گیرد که به هر میزان «آزادی اجتماعی» افزایش یابد؛ بستر برای ارتقاء «قابلیت های عمومی» شهروندان و همچنین ارتقاء قابلیت های ساختاری در زمینه حیات شهری و به تبع آن حیات شبانه فراهم می شود. اگر چه چنین رویکردی در ادراک مقامات اجرایی بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشاهده نمی شود؛ اما می توان به این جمع بندی رسید که بین ساختار سیاسی و مسئولیت اجتماعی دولت در روند سیاستگذاری اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و سازمان بهزیستی رابطه مستقیم و هماهنگ وجود دارد.

این امر بیانگر آن است که در ساختارهای سیاسی اقتدار گرا، شهروندان چندان آزادی عمل برای طرح مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود ندارند. به همین دلیل است که دولت ها از آزادی عمل قابل توجه برخوردار می شوند. در چنین شرایطی، دولت ها به مسئولیت اجتماعی خود و چگونگی بهره گیری از قابلیت های ساختاری در فضای دموکراتیک چندان توجه مبذول نخواهند داشت.

یکی از مباحث اصلی اقتصاد توسعه را می توان ارتقاء قابلیت ساختاری دولت برای توجه بیشتر به مسئولیت اجتماعی و فرهنگی خود دانست. به عبارت دیگر، اگر درآمد سرانه در چارچوب برنامه های توسعه اقتصادی افزایش یابد؛ این امر بستر بهبود کیفیت زندگی

انسان ها را فراهم می سازد. از سوی دیگر، افزایش «درآمد سرانه» به منزله آن است که اشتغال افزایش یافته و به این ترتیب، بستر برای «بسط دامنه انتخاب» انسان ها به وجود می آید. انتخاب مسکن، شغل و رهیافت های سیاسی- اجتماعی ازشرایطی ناشی است که جوامع از وضعیت توسعه نیافتگی خارج شده و روندهای رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را سپری می سازند. (شهبازی نیا، ۵۹:۱۳۹۶).

لازم به توضیح است که رشد اقتصادی به تنهایی نمی تواند نشانه توجه دولت به مسئولیت اجتماعی باشد. نظریه پردازان جدید توسعه بر این اعتقاد هستند که توسعه انسانی، رفاه، مبارزه با نابرابری و رفع تبعیض در بهرمندهی از فضای شبانه شهری زمره اصلی ترین وظایف ساختاری دولت محسوب می شود. این امر به مفهوم آن است که به هر میزان دولت ها به مسئولیت اجتماعی خود توجه بیشتر داشته باشند؛ به همان میزان نیز بستر برای از بین رفتن شاخص های مغایر با توسعه انسانی فراهم می شود.

به عبارت دیگر، توسعه انسانی در شرایطی تحقق می یابد که امکان همکاری جامعه، طبقات اجتماعی- اقتصادی و دولت در راستای اهداف عمومی نظام سیاسی فراهم شود. اگر رشد اقتصادی بدون توجه به شاخص هایی همانند رفاه عمومی، مبارزه با فقر و رفع تبعیض انجام گیرد؛ این امر به مفهوم آن است که مسئولیت اجتماعی دولت مورد توجه قرار نگرفته و به موازات رشد اقتصادی، بستر برای شکل گیری چالش های جدید در حوزه های ساختاری به ویژه در عرصه توسعه انسانی و توسعه اجتماعی بوجود آمده است (بصیری مزدهی، ۷۶:۱۳۹۱).

۲-۵ واگرایی تعهدات دولت و وظایف علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در قبال ارائه خدمات زیست

شبانه

دولت در برابر مردم تعهداتی دارد که باید بدان عمل کند. با توجه به اینکه دولت در بخش اجرایی کارهایی ویژه متعددی را بر عهده دارد و بیشتر با مردم در ارتباط است، نقش آن در تعامل با حقوق مردم و اجرایی کردن آن بسیار مهم است. به ویژه آنکه، اختصاص هزینه ها و انجام برخی از خدمات اجتماعی، رفاهی و تامین امنیت بر عهده دولت است و از این نظر نقش آن در صیانت از حقوق مردم در بعد اثباتی بسیار مهم و حساس است. همچنین سیاست گذاری های کلان دولت در امور اجرایی، اداری، رفاهی، خدماتی، امنیتی و مانند آن بر زندگی شهروندان تاثیر بسزایی دارد. مفهوم خدمات عمومی از مفاهیم راهبردی و بنیادین حقوق عمومی به شمار می رود و منحصر به نیازهای عام المنفعه است که دولت مردان یک کشور در برهه ای از زمان معین تصمیم می گیرند تا آن نیازها را از طریق سازمانهای عمومی یا دولتی برآورده کنند. به بیان دیگر خدمات عمومی، نفع عمومی و فلسفه وجودی دولت نیز تامین منافع عمومی و ارائه خدمات زیست شبانه می باشد و اگر دولت به برخی از فعالیتهای تجاری و صنعتی می پردازد، بمنظور صرف این درآمدها در امور همگانی و انجام خدمات است. از جمله خدمات عمومی که جزء سیاست های راهبردی دولت محسوب می شود و دولت تعهد در برقراری آن دارد شامل: حفظ کرامت انسانی، ارتباط با مردم، جلوگیری از رانت خواری، تلاش برای آبادانی، حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه، افزایش سطح درآمد و رفاه مردم، گردش سرمایه و جلوگیری از انباشت آن، تخصیص عادلانه منابع و امکانات و رعایت اولویت ها، برقراری امنیت و ایجاد نظم و انضباط اداری و حوزه هایی که در طول سده بیستم دخالت دولت در آنها گسترش یافت شامل: امور زیربنایی، حمل و نقل (راه آهن و حمل و نقل جاده ای و هوایی و شهری) سرگرمی ها، سازماندهی و مدیریت گردشگری و... دولت موظف به انجام تعهدات خود در ارائه خدمات عمومی به مردم می باشد. ولی احیای اقتصادی یا توسعه اقتصادی، قوانین برنامه و اجرای طرح های ملی- منطقه ای و تامین خدمات مطلوب امری است که به تنهایی از عهده دولت بر نمی آید و بهره وری مستلزم مشارکت نیروها و توانایی تمام جامعه است، اما دولت و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در قبال ارائه خدمات زیست شبانه ضرورتاً "به منظور انجام تعهدات برای انجام وظایف اصلی خود به ارائه خدمات زیست شبانه می پردازند، بنابراین خدمات زیست شبانه نمی تواند توسط دولتها و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و همچنین بخش خصوصی با واگرایی در انجام تعهدات طرفین مواجه است. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸).

برآمد

خدمات عمومی به مفهوم ماهوی یا کاربردی به اعمال دارای ویژگی و هدف نفع عمومی یا یک فعالیت عام المنفعه است و عملی به منظور کسب سود نمی باشد و این مفهوم مورد تایید لئون دوگی بوده است. فایده عملی این مفهوم مشروعیت بخشیدن و موجه کردن فعالیت های عمومی می باشد. تشخیص و شناسایی خدمت عمومی توسط قانونگذار با توجه به تحول خواسته ها و مطالبات اجتماعی تحول و تکامل می یابد. با ضعیف شدن ساختارهای زمانی، که در دوران جدید محدودیت هایی در زندگی ما ایجاد می کند، جامعه ی ۴۲ ساعته خلق شده است. در نتیجه ی آن، استفاده از وقت و زمان و الگوی فعالیت ها به صورگوناگون افزایش و یا کاهش یافته است. با در اختیار گرفتن زمان شب در یک جامعه ی ۴۲ ساعته، مازمان بیشتری خلق نمی کنیم، بلکه از زمانی که در اختیار داریم موثرتر بهره می گیریم و از چنگال محدودیت زمانی خارج می شویم. نورپردازی، تعریف کننده ی هویت و سیمای شبانه ی شهر است و نبودن نور و تاریکی عوارضی چون افزایش تصادفات، حوادث، جرایم و بزهکاری و کاهش امنیت اجتماعی را سبب می شود. بافت های تاریخی امروزه کم و بیش خالی از سکنه شده اند و بیشتر ساختمان ها تبدیل به انبارشده اند که نه تنها باعث جرم و نا امنی شده، هویت و سرزندگی بافت های تاریخی، که هویت یک شهرشناخته میشوند را از بین برده اند. هدف از پژوهش پیش رو دستیابی به منظر شب پویا و سرزنده است. تقویت حیات شبانه، افزایش حضورپذیری مردم و افزایش ایمنی و امنیت را سبب می شود و عواملی مانند رشد اقتصاد در سطح کلان و خرد و صنعت توریسم را در پی خواهد داشت. باززنده سازی حیات شبانه در بافت ها تاریخی نه تنها ایمنی و امنیت را بالا می برد بلکه کیفیت محیطی این فضاها را بالا برده و حفاظتی است از بناهای با ارزش تاریخی و تقویتی است از میراث ارزشمند فرهنگی و تاریخی کشور. یکی دیگر از نتایج حاصل از تقویت حیات شبانه، رشد اقتصادی در سطوح مختلف خرد و کلان می باشد. در مقیاس خرد، افراد جامعه با تقویت حیات شبانه مدت زمان بیشتری را در این بافت ها سرمایه گذاری می کنند که منجر به رونق اقتصادی می شود. در تعریف قراردادهای ناظر بر اجرای خدمات حیات شبانه می توان گفت که گروهی از قراردادهای اداری و تابع قواعد خاص هستند که سازمان ها، شرکت ها و نهادهای دولتی و عمومی مرکزی و محلی برای اجرا و انجام خدمات عمومی منعقد می کنند و تأمین نیازها و منافع عمومی مردم یک منطقه یا یک کشور هدف این قراردادها می باشد. به عبارت دیگر قراردادهای است که بر طبق آن یک شخص حقوق خصوصی به طور جزئی یا کلی یک خدمت عمومی را اجرا می کند و اداره اجرای آن را طبق قرارداد به این شخص واگذار کرده است. قراردادهای مانند قراردادهای منعقد بین دولت و اشخاص حقیقی و حقوقی در ارائه و انجام خدمات عمومی (حمل و نقل، فضای سبز و...) که به طور معمول برای ارائه خدمت بین دستگاه های دولتی با اشخاص حقیقی و حقوقی منعقد می شود و دولت به جای اینکه مباشر مستقیم باشد از طریق انعقاد قرارداد به دیگران واگذار می کند و موضوع این گونه از قراردادها بیشتر نیروی انسانی جهت انجام و ارائه خدمات عمومی است. اما مشخصه اصلی زیست شبانه در تمام این شهرها قانونی و موجه بودن بسیاری از فعالیت های ذکر شده در شب های آنها است. به همین دلیل امکانات امنیتی و حمایتی فراوانی برای حمایت از بعد شبانه زندگی شهری انجام شده است؛ اما در کلان شهر تهران عمده تا بعد از ساعت ۱۲ شب فعالیت های بسیاری از مراکز تجاری و تفریحی تعطیل می شود. زمستان سال گذشته در جریان تصویب برنامه ۵ ساله سوم قرار بر این شد که طرح زیست شبانه برای مناسبت های مذهبی به طور پایلوت و آزمایشی آغاز شود.

بر اساس مطالب فوق پلیس و نیروی انتظامی به این مهم اشاره دارد که اگر قرار است اقدامی در این زمینه انجام شود باید سه امر مهم مورد توجه قرار بگیرد و در همین راستا اعلام کرده است که باید تمهیداتی برای امنیت فروشندگان و مردم در نظر گرفته شود. به بیان دیگر باید پیوست انتظامی، ترافیکی و امنیتی برای این طرح تعریف شود. این تحقیق بر آن است تا: مسئولیت مدنی دولت در قبال زیست های شبانه شهروندان تهرانی را با در نظر گرفتن خلاء های یاد شده مورد بحث و بررسی قرار دهد. بخشی از فعالیت شبانه ی کسب و کارهای مختلف همواره وجود داشته است. آنچه که باعث شده تا از اقتصاد شب سخن به میان بیاید یکی حضور بیشتر مردم در عرصه های عمومی شبانه و دیگری طولانی شدن ساعات فعالیت شبانه و تداوم آن تا نیمه های شب است.

حقوق شهروندی اصطلاحی است که در ساله ای اخیر در ادبیات حقوقی سیاسی کشورمان رواج یافته و در میان صاحبان فکر، قلم و اندیشه رونق پیدا کرده است. البته کاربرد این اصطلاح چندان به دور از ابهام، عدم شفافیت و دقت علمی نیز نبوده است و تنقیح مبانی و اصول حقوق شهروندی و توصیف دقیق عناصر محتوایی آن (از جمله دامنه ی دارندگان حقوق شهروندی، نسل بندی موضوعات حقوقی شهروندی، مکلفان این حقوق و دامنه ی تکلیف آنها) کمتر در محافل علمی و دانشگاهی انجام شده است. شکل گیری و نهادینه شدن یک جامعه دموکراتیک و پایدار مستلزم توجه جدی به حقوق شهروندی می باشد. شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و به برابری، عدالت و استقلال تکیه و تاکید دارد. مدتی است که موضوع حقوق شهروندی به طور جدی در نظام سیاسی ایران مطرح شده است. به طوری که قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. در پی این امر، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دولت و قوه قضاییه را مکلف

به تهیه و تدوین منشور و یا لایحه حقوق شهروندی کرد. با وجود این، تدوین چنین قوانینی در نظام حقوقی ایران با موانع و خلاء هایی هایی روبه رو است.

برای برون رفت از نارساییهای این سیاست ها، تمهیدات به کار گرفته شده در برنامه اول و دوم برای جبران عوارض تعدیل به دلیل عدم توجه به ضرورت تغییر در ساختار سنتی بخش بهزیستی و رفاه اجتماعی و فقدان استراتژی و برنامه مشخص در زمینه ساختار و فعالیت ها، عملاً موجب نشد تا در برابر آثار منفی تعدیل مصونیت ایجاد شود. مروری بر مندرجات برنامه های اول و دوم در ارتباط با رفاه اجتماعی یا در عنوان کلیتر آن بهزیستی و تأمین اجتماعی نشان می دهد که هر دو برنامه (برنامه اول و دوم) فاقد مدل یا انسجام لازم در این زمینه هستند و در کل فاقد نگرش سیستمی به موضوع بهزیستی و رفاه اجتماعی هستند. در گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۵ سازمان برنامه و بودجه در خصوص نقاط ضعف بخش بهزیستی آمده است: الف. فقدان نظام منسجم و فراگیر تأمین اجتماعی در ایران ب. عدم انسجام و یکپارچگی ساختاری و سازمانی در انجام امور و ارائه خدمات و تعدد سازمانها و نهادهای دولتی با وظایف و مسئولیت های مشابه و موازی از همین رو، فقدان استراتژی مشخص در سازماندهی بخش بهزیستی را باید از مشکلات و ضعف های عمده در برنامه اول و دوم دانست. با در نظر گرفتن چنین ملاحظات بود که دست اندرکاران را بر آن داشت که در جهت برطرف ساختن نارساییهای تعدیل اقتصادی و ایجاد نظام سازی در حوزه تأمین اجتماعی و ایجاد جامعیت و فراگیری در خدمات آن تدبیری اتخاذ کنند و حاصل آن، قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است که دستاورد بیش از پنج سال بحث و تبادل نظر در سطوح کارشناسی، پژوهشی و نظام تصمیم گیری کشور است و بپایان رسید، تصویب این قانون در سال ۱۳۸۳ را می توان نقطه عطف مهمی در تاریخ تأمین اجتماعی کشور دانست.

دولت در برابر مردم تعهداتی دارد که باید بدان عمل کند. با توجه به اینکه دولت در بخش اجرایی کارهایی ویژه متعددی را بر عهده دارد و بیشتر با مردم در ارتباط است، نقش آن در تعامل با حقوق مردم و اجرایی کردن آن بسیار مهم است، به ویژه آنکه، اختصاص هزینه ها و انجام برخی از خدمات اجتماعی، رفاهی و تأمین امنیت بر عهده دولت است و از این نظر نقش آن در صیانت از حقوق مردم در بعد اثباتی بسیار مهم و حساس است. همچنین سیاست گذاری های کلان دولت در امور اجرایی، اداری، رفاهی، خدماتی، امنیتی و مانند آن بر زندگی شهروندان تأثیر بسزایی دارد. مفهوم خدمات عمومی از مفاهیم راهبردی و بنیادین حقوق عمومی به شمار می رود و منحصر به نیازهای عام المنفعه است که دولت مردان یک کشور در برهه ای از زمان معین تصمیم می گیرند تا آن نیازها را از طریق سازمانهای عمومی یا دولتی برآورده کنند. به بیان دیگر خدمات عمومی، نفع عمومی و فلسفه وجودی دولت نیز تأمین منافع عمومی و ارائه خدمات زیست شبانه می باشد و اگر دولت به برخی از فعالیتهای تجاری و صنعتی می پردازد، بمنظور صرف این درآمدها در امور همگانی و انجام خدمات است. از جمله خدمات عمومی که جزء سیاست های راهبردی دولت محسوب می شود و دولت تعهد در برقراری آن دارد شامل: حفظ کرامت انسانی، ارتباط با مردم، جلوگیری از رانت خواری، تلاش برای آبادانی، حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه، افزایش سطح درآمد و رفاه مردم، گردش سرمایه و جلوگیری از انباشت آن، تخصیص عادلانه منابع و امکانات و رعایت اولویت ها، برقراری امنیت و ایجاد نظم و انضباط اداری و حوزه هایی که در طول سده بیستم دخالت دولت در آنها گسترش یافت شامل: امور زیربنایی، حمل و نقل (راه آهن و حمل و نقل جاده ای و هوایی و شهری) سرگرمی ها، سازماندهی و مدیریت گردشگری و... دولت موظف به انجام تعهدات خود در ارائه خدمات عمومی به مردم می باشد.

در باب خلاء های ساختاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در قبال زیست شبانه می توان گفت که امروزه الگوی سنتی اداره عمومی با توجه به موانع و مشکلات خاص آن از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نمی باشد و بیش از دو دهه گذشته است که، مدیریت دولتی در کشورهای در حال توسعه دستخوش تغییرات اساسی گردیده و این در حالی است که تغییرات شتابان و پیچیدگی های روز افزون باعث ناکارآمدی سبک های سنتی سازمانها و حتی دولتها شده است. دولتها از دیرباز دارای وظایف و تکالیفی بوده اند و برای انجام این وظایف و تکالیف همواره از ابزارهایی بهره گرفته اند. تأکید عمده روشها و ابزارهای مورد استفاده، کارایی و کارآمدی آن ها در اداره امور بوده است، اما با تغییرات چشمگیری که در وظایف و نقش های دولتها پیش آمده است، بطور طبیعی تغییراتی در روشها و ابزارها می بایستی اتفاق بیافتد تا بتوان امور عمومی جامعه را هدایت کرد. بطور کلی می توان سه عامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در دو دهه آخر قرن بیستم را سبب تغییر در مدیریت دولتی دانست که موجب پیدایش موجی از تغییرات در عرصه روشها، ابزارها و حتی پارادایم مدیریت دولتی شده است. بنابراین با توجه به اهمیت تغییرات روز افزون نقش دولتها در اداره امور عمومی و تحدید و تشدید حدود آن، بررسی الگوی مدیریت دولتی برای بخش خدمات دولتی ایران با توجه به تجارب جهانی و بهره گیری از ایده های مطرح شده در مدل های مدیریت دولتی جهانی و در نظر گرفتن الزامات بستری و زمینه های بویژه در مسائل فرهنگی - اجتماعی حائز اهمیت ویژه ای است که این پژوهش تا حدودی به آن اشاره کرد.

اینکه دانشگاه با مطالعات آکادمیک به موضوع زیست شبانه در ایران وارد نشده، بیشتر به این دلیل است که فرهنگ عامه‌پسند فاقد مشروعیت آکادمیک تلقی شده است. حتی مطالعات فرهنگی که در سال‌های اخیر رونق گرفته و بر همین فرهنگ عامه‌پسند متمرکز بوده، مرتباً با هراس‌های اخلاقی روبرو بوده و موضوع منازعات بینارشته‌ای نیز واقع شده است. بازگشایی مطالعات فرهنگی در دانشگاه‌هایی چون دانشگاه علوم بهزیستی پس از پنج سال تعلیق این نوید را می‌دهد که این پدیده به‌مرور بیشتر زیر ذره‌بین قرار گیرد. بدیهی است که پرداختن به زندگی روزمره لزوماً به معنای کنار گذاشتن مباحث کلان جامعه‌شناسی نیست چراکه زندگی روزمره بازتاب‌دهنده مسائل کلانی است که تا کنون جامعه‌شناسان ما درگیر آن بوده‌اند. زندگی روزمره به‌اشتباه از دلمشغولی‌های کلان جامعه‌شناسان جدا شده است. اگر قرار است شهری بهتر برای زندگی بسازیم، باید مطالعه فرهنگ عامه‌پسند مشروعیت آکادمیک پیدا کند.

اگرچه نهاد اصلی قانون‌گذار در هر کشور، قوه مقننه آن کشور است، اما گاه ورود برخی نهادهای موازی با تعریف صلاحیت‌های متقارن اسباب چنددستگی و چندگانگی را در سیاق تصویب مقررات در یک حوزه خاص پدید می‌آورد. از دیگر سو، همواره مجموعه دولت و قوه مجریه نقشی پررنگ در اعتلای حقوق شهروندان و تحقق استانداردهای حقوق بشر در سطح اجماع خود ایفا می‌کند. در زمینه مقررات و ضوابط شهرسازی نیز همین روال صادق است. درواقع، اگرچه برخی از قوانین مرتبط از سوی قوه مقننه به‌عنوان مرجع اصلی قانون‌گذاری در کشور به تصویب رسیده است، ولی به دلایل متعدد، مصوبات و اقدامات قوه مجریه و نهادهای زیرمجموعه آن در جایگاهی مهم‌تر قرار گرفته در عرصه مدیریت شهری نقشی تأثیرگذارتر به عهده دارند.

در باب خلاءهای قانونی سازمان بهزیستی در قبال زیست شبانه می‌توان به این نکته اشاره داشت که به تناسب رشد جمعیت شهرنشین در جهان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی دولت در ایجاد عدالت اجتماعی و اعتلای حقوق شهروندان، مسئله بهره‌مندی آنان از حقوق شهری است. در این میان، توجه به حقوق شهروندی آن دسته از افراد که دچار نقص‌ها، محرومیت‌ها یا مشکلات خاص‌اند و به دلایل گوناگون به حمایت‌های مضاعف نیاز دارند، در فرایندی نتیجه‌محور بر کیفیت ارائه خدمات عمومی در جامعه از سوی دولت و سنجش سطح حکمرانی خوب در سیستم حکومتی تأثیر مستقیم دارد. درباره وضعیت زیست شبانه و استانداردهای داخلی و بین‌المللی حاکم در این زمینه سخن بسیار گفته شده است. اما در حوزه شهرسازی و توجه به وضعیت خاص این قشر از شهروندان ذیل مقررات حقوق شهری — لاقال در امر اجرای ضوابط — خلأ ملموسی وجود دارد. قوانین و مقررات حاکم در حوزه شهرسازی و مرتبط با وضعیت معلولین، به سیاست‌های راهبردی در امر تقنین در این حوزه با عدم صراحت مواجه هستند؛ چالش‌های عینی و ضوابط قانونی مرتبط با وضعیت خاص افراد جامعه در راستای حضور در شهر و بهره‌مندی آنان از فضای شهری و حیات شبانه مشهود است.

درصد کمی از جمعیت کشور، تنها در یک درصد از مساحت آن زندگی می‌کند؛ این حال و روز تهران است. این حجم جمعیت علاوه بر تنگناهای اقلیمی که عموماً در قالب آلودگی‌های زیست‌محیطی خود را نشان می‌دهد، مشکلات دیگری هم دارد؛ ازجمله آن مشکلات نداشتن امکان مناسب برای دستیابی به خدمات متناسب شهری است. جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفری تهران برای به‌دست آوردن امکانات و خدمات مناسب، همواره دارای مشکل هستند. از این‌رو یکی از مهم‌ترین برنامه‌های مدیریت شهری در هر دوره‌ای تأکید بر شعارهای عدالت‌محورانه است. این شعارها گاهی خود را در قالب «کاهش فاصله شمال و جنوب» نشان داده و امروزه نیز شعار «شهر زیست‌پذیر» برای تحقق عدالت فضایی و اجتماعی مطرح شده‌است. هر چه هست، یک نامعادله در اجرای عدالت اجتماعی در تهران رخ داده‌است؛ جمعیت گسترده و محدوده جغرافیایی اندک و از طرفی تلاش مدیریت شهری برای ارائه خدمات شهری بیشتر به شهروندان.

راه برون‌رفت از این نامعادله‌ای که پیش روی مدیریت شهری است، تنها یک نکته است؛ افزایش زمان خدمات شهری به شهروندان با هدف عمده. هدف اول، ایجاد عدالت اجتماعی است که در نهایت به افزایش سرزندگی در پایتخت منجر می‌شود و هدف دوم هم نگاهی متفاوت به اقتصاد شهری است که می‌تواند بن‌بست‌های پیش روی کار و اشتغال در تهران را حل کند. افزایش خدمات شهری و ارائه راهکارها برای زیست بیشتر شهر، یکی از مهم‌ترین الگوهای تحقق این دو هدف است. درواقع زیست شهر در تمامی اوقات شبانه‌روز، این فرصت را در اختیار شهروندان می‌گذارد تا چهره‌ای متفاوت از زندگی را تجربه کنند. «زیست شبانه» در جایی مثل پایتخت فرصت‌های تازه‌ای پیش روی شهر می‌گذارد؛ فرصت‌های تازه سرمایه‌گذاری، زندگی، امنیت و در نهایت افزایش رضایتمندی شهروندان.

شهرهای با حجم جمعیت و با مساحت اندک و اداره گران شهر و فرصت‌های محدود اشتغال و محدودیت‌های اقلیمی، می‌توانند بر داشته‌های گسترده‌اش در طول یک شبانه‌روز تأکید کنند؛ نه آنکه دست‌کم ۸ ساعت از هر شبانه‌روز را به کلی خالی از هرگونه فعالیتی سپری کند. توجه به «زیست شبانه» در پایتخت می‌تواند الگویی مناسب برای باززنده‌سازی پایتخت و دیگر شهرهای کشور باشد. به تعبیر جناب حجت نظری، ایجاد زیست شبانه با به کارگیری مشاغل چون دستفروشی در حاشیه برخی خیابان‌ها می‌تواند مشکلات بخشی از جامعه را حل کند و از طرفی برای کسب‌وکارهای رایج نیز مشکلی به‌وجود نیاورد. این تنها یک نمونه از فرصت‌هایی است که در صورت تحقق زیست شبانه در پایتخت رخ می‌دهد.

درباره اصول حاکم بر خدمات عمومی باید گفت، برخی از این اصول مانند برابری و رایگان بودن را می-توان به صراحت در متن قانون اساسی جستجو نمود؛ اما برخی دیگر همانند تداوم، انطباق و تقدم خدمات عمومی به طور غیر مستقیم و از مفهوم برخی اصول قانون اساسی قابل استخراج هستند. اصول تقدم و انطباق خدمات عمومی در هیچ یک از اصول قانون اساسی مورد اشاره قرار نگرفته‌اند؛ ولی شاید بتوان از روح حاکم بر برخی از اصول از جمله اصل بند ۶ اصل ۲۸، بندهای ۲، ۷ و ۹ اصل ۴۳ و اصل ۱۰۰ اصل انطباق و سازگاری و از اصول ۲۴، ۲۸ و ۴۰ اصل تقدم خدمات عمومی را برداشت کرد.

درباره وضعیت زیست شبانه و استانداردهای داخلی و بین‌المللی حاکم در این زمینه سخن بسیار گفته شده است. اما در حوزه شهرسازی و توجه به وضعیت خاص این قشر از شهروندان ذیل مقررات حقوق شهری — لاقلاً در امر اجرای ضوابط — خلأ ملموسی وجود دارد. قوانین و مقررات حاکم در حوزه شهرسازی و مرتبط با وضعیت معلولین، به سیاست‌های راهبردی در امر تقنین در این حوزه با عدم صراحت مواجه هستند؛ چالش‌های عینی و ضوابط قانونی مرتبط با وضعیت خاص افراد جامعه در راستای حضور در شهر و بهره‌مندی آنان از فضای شهری و حیات شبانه مشهود است.

وقتی از اقتصاد شب در شهرها صحبت می‌شود یعنی پول‌هایی که خانواده‌ها در گردش‌های شبانه هزینه می‌کنند. نکته دیگر اینکه این هزینه‌ها بیشتر در دایره تفریح و سرگرمی می‌گنجد. در شهری مانند تهران با جمعیت زیاد، چقدر از مردم و به چه میزان حاضر به هزینه در گشت و گذارهای شبانه هستند. بخش قابل توجهی از فعالیت‌های شبانه به صورت خودجوش شکل می‌گیرد و به سبک زندگی مردم مرتبط است. اما بخشی نیز به قوانین و مقررات و اقدامات مسئولین شهری مربوط می‌شود. سه مقوله امنیت، حمل و نقل و روشنایی برای اقتصاد و زیست شبانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون این سه مورد استفاده از شب و فعالیت عرصه‌های عمومی شبانه غیر ممکن به نظر می‌رسد. هر سه مورد در حیطه وظایف حاکمیتی است. امنیت را نیروی انتظامی تأمین می‌کند و روشنایی و حمل و نقل به عهده شهرداری است. از طرفی دانشگاه علوم بهزیستی در راستای تحقق رفاه اجتماعی و با توجه به ساختار اجتماعی و فرهنگی در ایران، که این تحقیق در راستای بررسی ساختار زیست شبانه شکل گرفته، در تحقق این مهم رفع مشکلات ساختاری جدی و قانونی از منظر حقوق عمومی را ضروری می‌داند.

منابع

کتاب

۱. امامی، محمد و کوروش استوار سنگری، (۱۳۸۹)، حقوق اداری، ج اول، چ ۱۲، تهران: میزان.
۲. پاکدامن، رضا، (۱۳۸۸)، رویکردهای اجرایی و مبانی قانونی خصوصی سازی، چ اول، تهران: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
۳. آیت الهی، علیرضا، (۱۳۸۷)، تأمین مالی شهرداریهای فرانسه، چکیده ی همایش مالی شهرداریها، تهران: انتشارات شهرداری تهران- معاونت مالی و اداری.
۴. بادینی، حسن، (۱۳۸۴)، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۵. برول، لوی، (۱۳۸۵) حقوق و جامعه شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، چاپ اول انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۶. پاکزاد، ج. (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: انتشارات شهیدی.
۷. پیرز، جان، ای و ریچارد بی رابینسون، (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی (برنامه ریزی، اجرا و کنترل)، مترجم: سید محمود حسینی، تهران: انتشارات سمت.
۸. جیکوبز، ج. (۱۳۸۸)، مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ امریکا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. حسینی پور اردکانی، سیدمجتبی، (۱۳۸۹)، نظام حقوقی حاکم بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی، چ اول، تهران: جنگل.
۱۰. رضایی زاده، محمدجواد، (۱۳۸۴)، محاکم اداری فرانسه و صلاحیت آنها در رسیدگی به دعاوی اداری، چ اول، تهران: مدیریت.
۱۱. رضایی زاده، محمدجواد، (۱۳۸۵)، حقوق اداری (۱)، چ اول، تهران: میزان.
۱۲. زاهدی اصل، محمد، (۱۳۸۷)، مبانی رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۱۳. زرگوش، مشتاق، (۱۳۹۲)، حقوق اداری مسئولیت مدنی دولت و کارکنان آن، چاپ اول، انتشارات جنگل تهران.
۱۴. ژوردن، پاتریس، (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه ی مجید ادیب، چاپ دوم، نشر میزان.
۱۵. سازمان اطلاعات و نقشه برداری تهران (۱۳۹۵). سند طرح جامع. (۱۳۸۵). تهران: شورای عالی معماری و شهرسازی.
۱۶. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۸۵)، حقوق اداری، چ ۱۲، تهران: سمت.
۱۷. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۸۷)، حقوق اداری تطبیقی، چ ۲، تهران: سمت.
۱۸. عباسی، بیژن، (۱۳۸۹)، حقوق اداری، چ اول، تهران: دادگستر.
۱۹. عراقی، سید عزت الله، (۱۳۸۷)، درخصوص تأثیر معیارهای بین المللی تأمین اجتماعی بر حقوق داخلی، ناشر: موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه.
۲۰. کرمونا و دیگران (۱۳۹۳). مکان های عمومی، فضاها ی شهری. ترجمه: فریبا قرایی. انتشارات دانشگاه هنر.
۲۱. گرجی، علی اکبر، (۱۳۸۸)، مبانی حقوق عمومی، چ اول، تهران: جنگل.
۲۲. موسی زاده، رضا، (۱۳۸۸)، حقوق اداری (۱ و ۲)، چ ۱۱، تهران: میزان.
۲۳. نوین، پرویز، (۱۳۸۶)، حقوق اداری تطبیقی، چ اول، تهران: تدریس.
۲۴. ویژه، محمدرضا، (۱۳۹۰)، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، چ اول، تهران: جنگل.
۲۵. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۳)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، چ ۹، تهران: میزان.
۲۶. -----، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چ اول، تهران: میزان.
۲۷. هداوند، مهدی و علی مشهدی، (۱۳۸۸)، اصول حقوق اداری (در پرتو آرای دیوان عدالت اداری)، چ اول، تهران: خرسندی.
۲۸. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، (۱۳۸۹)، دادگاه های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین های دادرسی منصفانه، چ اول، تهران: خرسندی.
۲۹. هداوند، مهدی، (۱۳۹۰)، حقوق اداری تطبیقی، چ ۲، چ اول، تهران: سمت.
۳۰. یزدانیان، علیرضا، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی قواعد مسئولیت مدنی، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول.

مقالات

۱. ابوذری، سعید، و دیگران. (۱۳۹۲). تبیین نقش بازار بزرگ تهران در توسعه گردشگری شهری تهران. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۳۸، ۱۰.
۲. الیاسی، الهام. (۱۳۹۳). هویت شهر و کیفیت منظر شبانه، نیازمند طراحی مناسب (مهاباد). فصلنامه علمی- آموزشی شهراندیشان، ۳، ۲.

۳. بصیری مژدهی، رضا، و محملی ابیانه، حسین (۱۳۹۱). منظر شبانه در تهران ارزیابی ظرفیت ها و ضرورتها. مجله علمی-ترویجی منظر، ۴.
۴. حسنی، علی، و هاشمی فدکی، احمد (۱۳۹۲). ایجاد سرزندگی شبانه با رویکرد طراحی فضاهای ۲۴ ساعته (نمونه موردی: خیابان آزادشهر مشهد)، مؤسسه آموزش عالی خاوران مشهد.
۵. جمشیدزاده، ابراهیم، (۱۳۸۲)، بررسی و تحلیل هزینه‌ها و اعتبارات شهرداری‌های کشور طی سال‌های ۵۶-۵۰ و ۷۹-۷۱، فصلنامه پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سال چهارم، شماره ۱۳ (بهار)، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۶. جمشیدزاده‌ی زبازی، ابراهیم، (۱۳۸۰)، مالیات بر دارایی، مهمترین منبع درآمد شهرداری‌های جنوب آسیا، مجله شهرداری‌ها، دوره جدید، سال سوم، شماره ۳۱.
۷. چریگو، یونس، (۱۳۸۶). تبیین مفهوم حق رفاه و تأمین اجتماعی، فصل‌نامه داخلی، سال سوم، شماره ۷.
۸. رضوان، محمد، و خیری، علی (۱۳۸۹). ضرورت انطباق تصویر روز با نور پردازی شهری. مجله علمی- ترویجی منظر، ۲، ۷.
۹. دادپور، سعید (۱۳۹۰)، سنجش کیفیت سرزندگی بخشی از خیابان ولی عصر تهران، نشریه داخلی سازمان زیباسازی شهر تهران، معاونت برنامه ریزی و توسعه، دوره اول، شماره ۲.
۱۰. رزازیان، محسن، (۱۳۸۷)، کارآیی بخشی نظام تشخیص و وصول درآمد، چکیده همایش مالیات شهرداری‌ها «مشکلات و راهکارها»، تهران: انتشارات شهرداری تهران- معاونت مالی و اداری.
۱۱. رضایی زاده، محمد جواد، (۱۳۹۰)، «مدخلی بر خدمات عمومی نظام الکترونیک در نظام حقوقی ایران»، مجله علمی- پژوهشی حقوق خصوصی، دوره هشتم شماره دوم پاییز و زمستان
۱۲. رضایی زاده، محمد جواد (۱۳۹۱)، «بازشناسی نظریه خدمات عمومی و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه علمی پژوهشی فقه و علوم اسلامی، سال سوم شماره پنجم
۱۳. رفیعیان، مجتبی؛ خدائی، زهرا (۱۳۸۸)، بررسی شاخصها و معیارهای موثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری، راهبرد، شماره ۵۳، صص ۲۲۷-۲۴۸.
۱۴. زاهدی مازندرانی، محمد جواد، «ظهور و افول دولت رفاه»، نشریه اقتصاد، ۱۳۷۹، دوره ششم، پاییز.
۱۵. زرگوش، مشتاق، تقصیر در مسئولیت مدنی دولت، مطالعه تحلیلی تطبیقی مجله تحقیقات حقوقی - دو فصلنامه علمی و پژوهشی. ۱۳۸۸، شماره ۴۹.
۱۶. سامانی، علی (۱۳۹۱)، راهبردهای طراحی و برنامه ریزی شهری در ارتقای حیات شبانه فضاهای شهری، فصلنامه پنجره، شماره ۳۱.
۱۷. سروش دباغ، (۱۳۸۸)، «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب» نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳، پاییز و زمستان -شیانی، ملیحه، (۱۳۸۳) فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۷. -شیبانی، ملیحه، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، س اول، ش ۱
۱۸. شمس، عرفان، (۱۳۸۸)، نقش نهادهای مقررات‌گذار در تنظیم خدمات عمومی، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، ش ۱۹ و ۲۰.
۱۹. شهبازی نیا، مرتضی، ۱۳۹۶، حق برخورداری از تأمین اجتماعی: ویژگی‌ها، محتوا و اصول کلی حاکم بر آن، فصلنامه تأمین اجتماعی سال نهم، شماره ۳۰.
۲۰. صادق پور واجاری، معصومه، ۱۳۹۰، حق رفاه و تأمین اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های حقوق بشر و پیامدهای آن در زندگی مردم"، پایان نامه، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
۲۱. صفری، عبدالحمید، (۱۳۸۳)، ساختار و ترکیب درآمدی شهرداری‌ها در کلانشهرهای ایران، مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، جلد دوم (مدیریت شهری)، شیراز: انتشارات دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، چاپ اول.
۲۲. عباسی، بیژن، و اکبری، مینا (۱۳۹۱)، "بررسی پیامدهای خصوصی سازی بر نظام ارائه خدمات عمومی در ایران"، اندیشه های حقوق اداری،
۲۳. علاسوند، فریبا، (۱۳۹۰). تعامل خانواده و دولت، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه های راهبردی زن و خانواده، جلد دوم،
۲۴. علی‌آبادی، جواد و جلال معصوم، (۱۳۸۰)، چالش‌های مدیریت شهری در ایران، مجله شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۳۵.
۲۵. علیمردادی، مسعود؛ شرقی، علی؛ مهدنشین، نیره (۱۳۹۵) بررسی نقش امنیت در سرزندگی و حیات شبانه فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: خیابان امام مرنند حدفاصل خیابان شهید رنجبری و خیابان هفت تیر)، دو فصلنامه هنرهای کاربردی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، سال ۵، شماره ۸، صص ۲۶-۱۵.
۲۶. قادری، جعفر، (۱۳۸۵)، ارزیابی نظام مالی و درآمدی شهرداری‌ها در ایران، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره سوم، شماره ۳.

۲۷. قدیمی، سیده درسا و کرامتی، غزال (۱۳۹۶) زندگی شبانه در کلانشهر با تأکید بر تأثیر عوامل فرهنگی بر فضای شهری
۲۸. گرچی، علی اکبر، (۱۳۸۷)، قانون اساسی شایسته، نشریه حقوق اساسی، ش ۱۰.
۲۹. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۶)، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۵، تهران: مرکز آمار ایران.
۳۰. معاونت عمرانی دفتر برنامه ریزی وزارت کشور، (۱۳۷۴)، درآمدی بر طرح مطالعاتی و شهری شهرداری‌ها، مهندسين مشاور نقش جهان - پارس، کد طرح ۲۸-۱۰.
۳۱. معزی مقدم، حسین، (۱۳۸۱)، شیوه‌های تأمین منابع درآمدی شهرداری‌ها، معاونت برنامه ریزی و توسعه، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۳۲. موسوی، میرنجنف، (۱۳۸۸)، تحلیل کارکرد مرز بر ساختار فضایی شهرهای مرزی (مطالعه موردی: آذربایجان غربی)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
۳۳. ویژه، محمد رضا، (۱۳۸۳)، مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، نشریه حقوق اساسی، ش ۲.